

دو فصلنامه ی عیون

سال سوم، شماره ی ۳ و ۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۱۶

تحلیل و بررسی فقه خانواده با رویکرد به جامعیت قرآن کریم

دکتر محمد مهدی خواجه پور^۱

احمد توکلی^۲

چکیده:

خانواده یکی از مهمترین پایگاههای اجتماعی در دین مبین اسلام است که انبیاء و اولیای الهی در تعالیم الهی خویش به طور خاص به آن پرداخته اند و در شریعت مقدس اسلام به عنوان کاملترین دین، به آموزش حقوق، قواعد و احکام آن توجه خاصی شده است و کاملترین مرجعی که به طور جامع به فقه خانواده پرداخته است، قرآن کریم است که با دقتی شایسته به کلیه زوایا و جوانب این نهاد مقدس پرداخته است. قوانین و احکام اسلامی در دین مبین اسلام مستند به منابعی است که به اتفاق فریقین شامل قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) است، که جزء مصادر اولیه تشریح احکام می باشند. قرآن کریم دارای حدود پانصد آیه، مربوط به احکام فرعیه عملیه و به اصطلاح احکام فقهی است که در طول دوران رسالت حضرت رسول اکرم (ص) بر وی نازل شده است و یکی از مهمترین این آیات، آیات الاحکام مربوط به خانواده است. خانواده دارای جایگاهی بس والا و عظیم در نظام مقدس اسلام است و اهمیت بررسی فقه خانواده، از آن جهت است که خانواده اولین نهادی است که انسان در آن قدم می گذارد و به رشد و بالندگی دست پیدا میکند و در سعادت و شقاوت فرد نقش اساسی دارد و تشریح احکام و حقوق بی مانند قرآن کریم مربوط به خانواده را که از اتقان و جامعیت کامل برخوردار است ضروری مینماید که تا سعادت را فرا روی بشر قرار دهد. در این تحقیق ضمن بررسی احکام فقهی و حقوق خانواده در اسلام جامعیت این تشریحات بررسی خواهد شد و مباحثی چون حقوق، اصول حاکم بر نظام خانواده و همچنین به احکام فقهی والدین، فرزندان و همسران پرداخته خواهد شد.

واژه گان کلیدی: جامعیت، قانون گذاری، قرآن، فقه، خانواده

طرح مسأله:

مهمترین عامل پیشرفت در جامعه، ریشه در فرد و خانواده دارد. خانواده، خود تشکیل دهنده جامعه بزرگ است، حال آنکه خود یک جامعه کوچک است. پر واضح است که اگر خانواده سالم نباشد، جامعه نیز به طبع آن سالم نخواهد ماند. برای ساختن اجتماعی درخور و سالم و مدینه فاضله، باید خانواده را به گونه ای بسازیم که شارع مقدس به آن امر نموده است. خانواده ای که دستورات زندگی پاک خویش را از سرچشمه وحی (قرآن کریم)، دریافت می کنند و به احکام آن توجه خاصی دارند، از گزند وساوس شیاطین جن و انس در امانند و به فرامین متجددین غرب زده وقعی نمی نهند.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

اسلام نخستین مکتبی است که ریشه سعادت و تکامل و از طرفی سقوط و اضمحلال جامعه را در خانواده می داند. از این جهت احکامی جامع و کامل برای آن تبیین نموده است و برای اعضای آن وظایفی را معین نموده که همه آنها را باید در آینه فقه خانواده و حقوق پاک اسلامی نگریست و بدان عمل نمود. در این تحقیق بر آن شدیم تا جامعیت قرآن را در بیان جامع احکام خانواده اثبات نماییم. مسائلی چون اصول حاکم و حقوق حاکم بر خانواده، نگرستن به حقوق و احکام خانواده به شیوه تفصیلی، مباحث فقهی ازدواج (قبل، حین و بعد از آن) و همچنین مباحث فقهی پس از جدایی و متارکه.

تحقیق حاضر تلاشی است به قدر قوه و در جهت نشان دادن جامعیت قرآن در بیان آیات الاحکام خانواده، که امید است با عنایت خاص حضرت باری تعالی و دستگیری اربابان فقاها (حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت مطهر و پاکش (ع))، نتیجه ای درخور یک تحقیق ارزشمند حاصل شود. با توجه به جست و جوی انجام شده، در زمینه فقه خانواده با رویکرد به جامعیت قرآن به طور مستقل پژوهشی ثبت نشده است، اما این بدان معنا نیست که کاری صورت نگرفته؛ چرا که پژوهشهای کامل و گاه ناقص و پراکنده در حوزه تألیفات فقهی و در برخی از مقالات موجود مطالبی پیرامون این موضوع به چشم می خورد. به عنوان مثال دکتر وهبه زحیلی در کتاب فقه خانواده در جهان معاصر (آداب، احکام، حقوق و مسئولیت ها) به مباحث فقهی خانواده پرداخته است و در مواردی به آیات قرآن کریم استناد کرده است و در کتابهایی با عنوان فقه خانواده به طور کلی به این مباحث پرداخته شده و گاه قسمتی از مباحث فقهی خانواده مورد توجه واقع شده است (مانند ازدواج و طلاق و...) و یا کتابهای مختلفی در خصوص احکام فقهی خانواده نگاشته شده است. اما اینکه پژوهشی در صدد اثبات جامعیت قرآن در مباحث فقهی خانواده باشد یافت نشد. چند نمونه از کتبی که در زمینه فقه خانواده نگاشته شده را میتوان بدین شرح ذکر نمود: مکارم شیرازی، ناصر: احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی. شریعتی، الهام: فقه پویا. میرزایی، امین: نگرشی نو به مفهوم فقه پویا. ایازی، محمدعلی: فقه پژوهی قرآنی. سید محمد علی: فقه پژوهی قرآن. زحیلی، وهبه: فقه خانواده در جهان معاصر (آداب، احکام، حقوق و مسئولیتها). شوشتری، مهدی: تحول و پویایی احکام شیعه. یزدی، سید مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن. بهشتی، احمد: خانواده در قرآن. انصاریان، حسین: نظام خانواده در اسلام. بیستونی، محمد: تفسیر خانواده، جلد ۱ و ۲.

۱. بیان اصول کلی حاکم بر نظام خانواده

قرآن برای تحکیم و حفظ حریم خانواده اصولی را بیان نموده که گاه از لابلای احکام حقوقی قابل استخراج هستند و در مواردی به آنها تصریح نموده است. که در ذیل به تفصیل به آن می پردازیم.

۱-۱. اهتمام به کرامت انسانها (حق کرامت)

در کل آفرینش الهی سه نوع کرامت وجود دارد: اول کرامت ملکوتی که متعلق به فرشتگان خداوند است، دوم کرامت طبیعی که مربوط به همه موجودات طبیعی است و از سنگ تا گیاهان را فرامی گیرد و سوم کرامت انسانی که جامع کرامت طبیعی و

ملکوتی است و کرامتی ذاتی و فطری است که خداوند متعال انسان را با آن سرشته است و در پرتو آن قابلیت ها و توانایی های ویژه به او عطا کرده است و به واسطه این ویژگی ها در جایگاهی برتر از مخلوقات دیگر قرار گرفته است. این کرامت چیزی جز احساس عظمت و پرهیز از حقارت نفس نیست. از نگاه قرآن، شخصیت انسان شایسته کرامت و فضیلت و کمال است. کرامت یک نوع عنایت خاص الهی به انسان از طرف خداوند متعال است و در کانون خانواده نیز کرامت اعضاء باید محفوظ بماند. خداوند متعال در قرآن کریم به این نوع کرامت اشاره میکند و میفرماید: (وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا اسراء/ ۷۰) « و حقا که ما فرزندان آدم را (به وراثت از پدر به وسیله نعمت های مادی و معنوی) کرامت و شرافت بخشیدیم ، و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب های مناسب هر یک) سوار کردیم و آنها را از انواع پاکیزه ها (چیزهایی که ملائیم طبع آنهاست) روزی کردیم ، و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود (از جانداران و اجنه و اغلب فرشته ها) برتری کامل دادیم».

۲-۱ اصل تأمین نیازهای عاطفی(مودت و رحمت) و اخلاق محوری در خانواده

اخلاق محوری از اساسی ترین تعالیم کلام وحی به شمار میرود . شیخ طوسی در تعریف اخلاق میگوید: اخلاق متصف شدن به صفات نیک از طریق اصلاح و تعدیل تمایلات درونی انسان است. « طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ ه ق ، ص ۴۸ »

در نگرش قرآنی ارزش خانواده بیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار شده است. اعضایی که با حقوق متقابل ، در کنار یکدیگر قرار گرفته اند . خداوند متعال در قرآن کریم یکی از آیات و نشانه های ویژه خود را زوجیت و عشق و مودت بین همسران ذکر نموده است . (وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ روم/ ۲۱) « و از نشانه های او این است که برای شما از جنس خودتان (نه از فرشتگان و نه از اجنه و غیر آنها) همسرانی آفرید که در کنار آنها آرامش یابید ، و میان شما (شوی و زن یا افراد نوع انسانی) علاقه دوستی و مهر باطنی نهاد ، همانا در این امر نشانه هایی است (از توحید و قدرت و حکمت خدا) برای گروهی که می اندیشند» آیت ... مصباح در خصوص حد و مرز عواطف می گوید: البته باید توجه داشت که عواطف ارزش مطلق ندارند و حد و مرزی برای آن تعریف شده است . زیرا ارزش این عواطف ، از مصلحت کلی خانواده بر می خیزد و ارزش خانواده نیز تابعی از ارزش ها و مصالح کلی جامعه تلقی میشود و عواطف باید در کنترل عقل قرار گیرند و به وسیله آن رهبری شوند . ارزش فعالیت های عاطفی تا جایی است که عقل ، آن را امضاء کند. «مصباح یزدی ، محمد تقی، ۱۳۹۱ ه ش ، ص ۷۵»

۳-۱ اصل عدالت (موازنه حق و تکلیف)

در بسیاری از آیات الهی موضوع عدالت به طور مستقیم مورد توجه قرار گرفته است و یکی از اهداف مهم رسالت پیامبران الهی ، عدالت دانسته شده است .

« لقد ارسلنا رُسُلنا بالبينات و انزلنا معهمُ الكتابَ و الميزان ليقوم الناسُ بالقسط حدید/۲۵»، « و السماءَ رفعها و وضع الميزان الرحمن /۷»، « قُل امر رَبِّي بالقسط الاعراف/۲۹» با مد نظر قرار دادن آیات الهی، بخصوص در حوزه خانواده، مشاهده می شود که بسیاری از احکام و گاه مجموعه آنها اصل بودن عدالت را مورد توجه قرار می دهد. این اصل در گزاره های اخلاقی قرآن که روابط بین زوجین را بیان می کند، بیش از همه تصریح شده و در روابط دیگر اعضای خانواده نیز قابل برداشت می باشد. در اولین نظر، احکام بین اعضای خانواده ممکن است به دور از عدالت جلوه کند؛ اما اگر به تفاوت ساختار خلقت زن و مرد توجه کنیم، روشن می شود این احکام کاملاً با اصل عدالت منطبق است. آیات قرآن در هر حکمی که تکلیفی را بر عهده یکی از اعضای خانواده به تناسب خلقت نهاده بلافاصله حقی برای او تعیین نموده است، و در جایی که حقی به او داده تکلیفی را برای او تبیین کرده است. چنانکه امیرالمؤمنین علی (ع) درباره این تلازم می فرماید: کسی را حقی نیست جز آنکه بر او نیز حقی است و بر او حقی نیست جز آنکه او را حقی بر دیگری است. «کلینی، محمد ابن یعقوب، ۱۳۸۹ق، ج ۸ ص ۳۵۲».

۴-۱ اصل مصلحت

اصل مصلحت اندیشی از اصولی است که در اسلام به آن توجه خاصی شده است و قرآن کریم تاکید میکند که باید حریم خانواده حفظ شود و به سبب بروز اختلافاتی ناچیز کانون آن دچار تزلزل نگردد. خداوند می فرماید: (وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا نساء/۱۲۸) «و اگر زنی، از سرکشی یا رویگردانی شوهرش، ترس داشته باشد، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست در اینکه با آشتی، در میانشان صلح بر قرار کنند؛ و صلح، بهتر است؛ و (گر چه در این موارد) جانها در معرض آزمندی است. و اگر نیکی کنید و خود نگهدار باشید، پس در واقع خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است». حرمت خانواده و حفظ نظام آن، بر حقّ شخصی مقدم است؛ پس گذشتن از حقّ شخصی برای رسیدن به مصلحت بالاتر و حفظ خانواده مانعی ندارد.

۵-۱ اصل ثبات و امنیت

گوهر وجودی زن و مرد یکی است. ازدواج و همسر داری، عامل آرامش زندگی است و بهداشت روانی زن و شوهر را تأمین می سازد و باعث ایجاد ثبات و امنیت روانی در انسان میشود. خداوند در قرآن کریم میفرماید «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا الاعراف/۱۸۹» زن و مرد از یک نفس هستند و باید در کنار یکدیگر به آرامش و سکونت برسند. در این آیه به یک نکته ی روان شناختی اشاره شده و آن این که «همسر مایه ی آرامش انسان است». این تعبیر اشاره دارد که همسر وسایل آرامش شوهر را فراهم سازد و موجب آزار روحی و ناراحتی او نشود و نیز اشاره دارد که زندگی مشترک موجبات ثبات و امنیت را برای زن و شوهر فراهم می کند و کشتی طوفان زده ی جوان را به ساحل امن می نشاند و بهداشت روانی او را تأمین می نماید.

۶-۱ اصل مشورت

همفکری صمیمانه زن و شوهر در زندگی کلید گشایش و بهترین راه حل اختلاف های خانوادگی است. همسران باید در مسیر زندگی سعادت‌مندانه خویش خیر خواه یکدیگر بوده و درک متقابل داشته باشند. خداوند در قرآن کریم میفرماید: (... فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنِ ارْتَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ نساء/ ۲۳۳) «... و اگر آن دو، با رضایت و مشورت یکدیگر، بخواهند [کودک را زودتر] از شیر باز گیرند، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، پس هیچ گناهی بر شما نیست؛ هنگامی که آنچه را (وعده) داده‌اید بطور پسندیده بپردازید. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید؛ و بدانید که خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست». آیت ا... مصباح می گوید: البته مشورت نکردن با همسر جرم نیست و تعقیب قانونی ندارد، بلکه لزوم مشورت یک حکم اخلاقی است و هر دو موظف به رعایت آن هستند. زن و شوهر در این گونه مسائل، به ویژه اگر با سرنوشت کودکان هم مربوط میشود، باید از استبداد رای دوری کنند و به حکم عقل و همفکری و مشورت گردن نهند؛ اما این، یک حکم اخلاقی است و پاداش و کیفر حقوقی ندارد. «مصباح یزدی، محمد تقی، پیشین، ص ۸۱»

۷-۱ اصل حکمیت

قرآن کریم جهت رفع اختلاف زوجین دستور به تشکیل دادگاه خانواده داده است (وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا نساء/ ۳۵) «و (شما ای حاکمان شرع، یا ای خردمندان قوم) اگر از اختلاف و کشمکش میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوری از خانواده مرد و داوری از خانواده زن بر انگیزید، که اگر قصد اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو، سازگاری ایجاد می‌کند، که همانا خداوند دانا و آگاه است» اگر خانواده ها مشکل خانوادگی را با مصالحه، حل نمایند برای آنها خیلی بهتر است و اگر باز خطر هم پاشیدگی آنها باقی بماند بهتر است که از افراد باتجربه، به عنوان حکم استفاده نمایند. آیت ا... مکارم شیرازی در تفسیر نمونه می گوید: در فقه اسلامی، شرایط داوران به طور مشروح بیان شده است، از جمله آن که دو داور باید بالغ، عاقل، عادل و بصیر باشند «مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ه ش، ج ۳، ص ۳۷۷»

۸-۱ اصل تامین نیازهای جنسی

از عوامل مهمی که زن و مرد را به همدیگر نزدیک میکند و باعث پیوند زناشویی میگردد، غریزه جنسی است. این نیاز متقابل تا حدود زیادی پیوند زناشویی را مستحکم میکند و یکی از عوامل سکون و آرامش بین مرد و زن تلقی میشود. اما قرآن کریم ضمن اینکه زنان را کشتزار مردها میداند (نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِمُوا لِنَفْسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ

اعلموا انکم ملأقوه و بشر المؤمنین بقره / ۲۲۳) « زنان شما، کشتزار شما هستند؛ پس هر گونه بخواهید، (می توانید) به کشتزارتان [در] آید، و (اثر نیکی) برای خودتان، از پیش بفرستید. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید. و بدانید که شما او را ملاقات خواهید کرد. و مؤمنان را مژده ده.» ، به مسلمانان دستور داده که در حالت حیض از هم بستری با زنان دوری کنند (و یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدَىٰ فَأَعْتَزُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ بقره / ۲۲۲)» و از تو درباره عادت زنانه می پرسند ، بگو: آن نوعی آزار و ناراحتی است. پس از (آمیزش با) زنان در زمان عادت کناره گیری نمایید و تا پاک نشوند به آنها نزدیک نشوید و چون (از عادت) پاک شدند (یا غسل کردند) از همان جا که خدا دستور داده با آنان آمیزش نمایید ، همانا خداوند کسانی را که زود و زیاد توبه می کنند و کسانی را که کوشا در پاکی اند دوست دارد» .

۲. بیان حقوق کلی خانواده به معنای عام در قرآن کریم

حقوق جمع حق است و حق از ریشه حقیق به معنی هر کار و سخنی است که بر حسب واقع، آنطور که واجب است و به اندازه ای که واجب است و در زمانی که واجب است انجام شود که در ادامه به حقوق کلی خانواده در قرآن پرداخته می شود .

۱-۲- حق حیات

قبل از ظهور اسلام ، اعراب جاهلیت، دختران خویش را به خاطر تعصب های غلط زنده به گور می کردند و حتی فرزندان پسر خویش را نیز به خاطر فقر به قتل می رساندند. خدا آنها را از این کار بازداشت و فرمود رزق آنها با خداست . (وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ... انعام/ ۱۵۱) «و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می دهیم...» احمد خلیل میگوید: یکی از حقوقی که خداوند برای فرزند قائل شده، حق حیات است که قرآن این حق عظیم را در جامعه بشری به شکل سزاوار برای فرزند، قبل از تولد و بعد از آن مطرح میکند «جمعه، احمد خلیل، ۱۴۲۱ق، ص ۲۳»

۲-۲- حق مساوات

صفات ارزشمند و همگون زن و مرد و پاداش آنان، از مواردی است که خداوند در قرآن کریم به آن پرداخته است که همان حق مساوات در خانواده است (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا احزاب / ۳۵) « به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان (که شهادتین را گفته و عملاً تسلیم دین شده اند) و مردان مؤمن و زنان مؤمن (که اعتقاد قلبی به اصول و فروع اسلام پیدا کرده اند) ، و مردان مطیع و خاضع و زنان مطیع و خاضع ، و مردان راستگو و زنان راستگو ، و مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا ، و مردان فروتن از درون قلب و زنان فروتن از درون قلب ، و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده ، و مردان روزه دار و زنان روزه دار ، و مردان حافظ شهوات و زنان حافظ شهوات ، و مردان بسیار یادکننده خدا و زنان یادکننده

، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است». در تفسیر مهر آمده است: ایمان، اطاعت، راست‌گویی، شکیبایی، فروتنی، بخشش، روزه، پاک‌دامنی و یاد فراوان خدا، از صفات نیکو و ارزش‌های مشترک زنان و مردان است و اگر زن و مرد خواهان آمرزش و پاداش بزرگ هستند باید این صفات دهگانه را در وجود خود پیاده کنند» رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷ ه. ش، ج ۱۶ ص ۳۵۲»

۲-۳- حق آزادی

از دیدگاه قرآن، انسان به گونه‌ای آفریده شده که می‌تواند سرنوشت خودش را همانگونه که می‌خواهد تغییر دهد: (...ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم... رعد / ۱۱) «.....خداوند سرنوشت هیچ قوم (وملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند...» اگر انسان‌ها موانع درونی رشد و پیشرفت خود را از بین ببرند و اراده تغییر در سرنوشت خویش را پیدا کنند، خداوند نیز تغییرات لازم را در زندگی و سرنوشت آنان انجام خواهد داد. از منظر قرآن، انسان موجودی است با اراده و مختار، و توانایی تغییر وضعیت خود را دارا می‌باشد. این ویژگی با آزادی انسان ارتباط وثیقی دارد

۲-۴- حق مالکیت

خداوند متعال در قرآن کریم بر مالکیت شخصی در خانواده تأکید می‌کند. امر به انفاق در قرآن کریم ریشه در مالکیت خصوصی افراد دارد. شاهد آن این آیه شریفه است: (آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ حدید/ ۷) «به خدا و پیامبر او ایمان آورید، و از آنچه شما را در [استفاده از آن،] جانشین [دیگران] کرده، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده باشند، پاداش بزرگی خواهند داشت.» آقای دکتر رضایی در تفسیر مهر می‌گوید: هر نوع تصرف در مال دیگری، بدون حق و مجوز منطقی و عقلایی، ممنوع است و اگر در برخی روایات، واژه‌ی «باطل» به ربا یا قمار تفسیر شده است، در حقیقت بیان مصادیق روشن این کلمه است، و گرنه آیه‌ی فوق‌منحصر به این موارد نیست. «رضایی اصفهانی، پیشین، ج ۴ ص ۱۰۵»

۲-۵- حق تربیت

یکی از حقوقی که در نظام خانواده از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است موضوع تربیت است. خداوند در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: (یا ایها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و کسان خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید؛ بر آن (آتش) فرشتگانی (در گفتار و اخلاق و تعذیب) خشن و (در هیكل و اراده) قوی، موکلند که خدا را در آنچه به آنها امر می‌کند نافرمانی نمی‌کنند و آنچه را دستور داده می‌شوند انجام می‌دهند». در کتاب اصول کافی و تهذیب الاحکام شیخ طوسی آمده است: حکایت شده که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد این آیه و چگونگی حفظ خانواده پرسیدند و حضرت فرمود آنان را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنی، اگر از تو پذیرفتند آنها را از آتش دوزخ حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند وظیفه‌ی خود را انجام داده‌ای. «کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۵، ص ۶۲؛ طوسی، ابو جعفر، محمد بن

حسن، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۶، ص ۱۷۹». علامه طباطبایی (ره) نیز در تفسیر المیزان ذیل این آیه می گوید: خدای تعالی در این آیه خطاب را متوجه عموم مؤمنین میکند، که خود و اهل بیت خود را ادب کنید، و از آتشی که آتش گیرانه اش خود دوزخیانند حفظ نمایید، و میفهماند که همین اعمال بد خود شما است که در آن جهان برمیگردد، و آتشی شده به جان خودتان میافتد، آتشی که به هیچ وجه خلاصی و مفری از آن نیست. «طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۰۲ هـ ق، ج ۱۹ ص ۵۶۰»

۳. جامعیت فقه خانواده در قرآن کریم از نگاه تفصیلی و جزئی

در این قسمت از تحقیق به احکام فقهی خانواده از نگاه تفصیلی می پردازیم و عنایت خداوند و جامعیت تشریح احکام جهت تمامی اعضاء خانواده را مد نظر قرار می دهیم.

۳-۱- مباحث فقهی والدین

مهمترین مباحث فقهی که خداوند در قرآن کریم بر آن تاکید زیاد نموده است، والدین است که در ذیل به آن اشاره می شود.

۳-۱-۱- احسان و احترام

خداوند متعال در بیش از ۲۳ آیه در قرآن مجید، صراحتاً و یا به طور ضمنی فرزندان را به احسان و نیکی نسبت به پدر و مادر، امر نموده است. اولین و مشهورترین شاهد موجود در قرآن کریم آیات ۲۳ و ۲۴ سوره مبارک اسرا است که خداوند میفرماید: (وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا اسرا/۲۴، ۲۳) «و پروردگارت حکم قطعی کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر (خود) نیکی کنید حال اگر در نزد تو یکی از آن دو یا هر دو به کهنسالی رسند (در مقابل زحمات یا خشونت های آنها اظهار ناراحتی مکن حتی) به آنان اف مگو و بر آنها فریاد مزن و سخن درشت مگو و با آنان سخنی کریمانه بگوی». در نهج الفصاحه تالیف آقای پاینده آمده است: نیکی به پدر و مادر نشانه شناخت شایسته بنده خداست. هر که پدر و مادر خویش را خشنود کند خدا را خشنود کرده و هر که پدر و مادر خویش را خشمگین کند خدا را خشمگین کرده است. و در جای دیگر آمده: هر که پدر و مادر خویش را لعن کند خدایش لعنت کند. و باز حدیث دیگری وجود دارد که می فرماید: هر که به پدر خویش ناسزا گوید ملعون است و هر که به مادر خویش ناسزا گوید ملعون است. « پاینده، ابو القاسم، ۱۳۶۳ هـ ش، احادیث ۲۹۶۳، ۲۲۴۱، ۲۷۴۴»

و باز خداوند متعال در آیه ۱۵ لقمان می فرماید: (وَ إِن جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَ اتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ لقمان /۱۵) « و اگر آن دو، تلاش کنند برای این که تو چیزی را که بدان هیچ دانشی نداری، همتای من قراردادی، پس، از آن دو اطاعت نکن؛ و [لی] در دنیا با آن دو به طور پسندیده هم نشینی کن؛ و از راه کسی که به سوی من بازگشته، پیروی کن؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است و شما را به آنچه انجام می دادید خبر می دهم.» لذا با عنایت به سفارش اکید الهی بر رضایت والدین و دوستی آنان؛ ولی این امر نباید باعث اطاعت جاهلانه و بی تعقل شود، به صورتی که حتی به دعوت کفرآمیز آنان نیز رضایت دهیم.

۳-۱-۲- نفقه و حدود آن

نفقه پدر و مادر فقیری که قدرت بر تامین زندگی خود ندارند در درجه اول به عهده اولاد است. از آیاتی که شاهد بر انفاق و بخشش به نزدیکان که والدین از اولویت خاص برخوردارند آیه ۲۱۵ سوره بقره است که خداوند می فرماید: (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ بقره / ۲۱۵) «از تو می پرسند چه چیزی [در راه خدا] مصرف کنند؟ بگو: «هر نیکی که [در راه خدا] مصرف می کنید، پس [باید] برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان و در راه مانده باشد.» و هر نیکی که انجام دهید، پس در حقیقت خدا به آن داناست.»

پدر و مادر اولین گروهی هستند که شایسته انفاقند. پدر و مادر در صورت نیاز و عدم قدرت بر رفع نیازمندیها، واجب النفقه فرزندان خویش هستند. در حدیثی از حضرت رسول اکرم (ص) آمده است: «لا صدقة و ذو رحم محتاج»، در صورت نیاز بستگان، نوبت صدقه به دیگران نمی رسد. «مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۶، ص ۱۴۷»

۳-۱-۳ ارث والدین و حدود آن

مسئله ارث والدین از فرزند متوفی در آیه ۱۱ سوره مبارک نساء مطرح شده است. خداوند میفرماید: (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِلْأُمِّهِ الثُّلُثُ.....). در تفسیر مهر در خصوص ارث والدین از فرزند آمده است: در مورد ارث پدر و مادر در آیهی فوق سه حالت بیان شده است. الف) اگر شخص میت، فرزند یا فرزندی داشته باشد، به پدر و مادر او هر کدام یک ششم می رسد (و دو سوم بقیه ی مال به فرزندان میت می رسد. ب) اگر شخص میت، فرزندی نداشته باشد و تنها وارثان او، پدر و مادرش باشند، سهم مادر یک سوم مجموع میراث است و بقیه به پدر می رسد (مگر آن که میت همسر داشته باشد که سهم او از سهم پدر کم می شود. ج) اگر شخص میت، فرزندی نداشته باشد و پدر و مادر وارث او باشند ولی میت برادرانی از طرف پدر یا از طرف پدر و مادر داشته باشد، سهم مادر یک ششم میراث است و بقیه به پدر می رسد «رضایی اصفهانی، پیشین، ج ۴ ص ۵۶»

۳-۲- مباحث فقهی فرزندان

پس از والدین به مباحث فقهی فرزندان و آیات الاحکامی که در قرآن کریم در این خصوص آمده است می پردازیم:

۳-۲-۱- حق حیات

حق حیات در قرآن به گونه ای بسیار جدی مطرح و بر آن تاکید شده است، تا آنجا که شاید در میان حقوق، حقی به این اندازه مهم تلقی نشده باشد. چرا که زندگی مهمترین موهبتی است که از طرف پروردگار عالمیان به انسان هدیه شده است. در آیه ۲۸ سوره بقره خداوند میفرماید: (كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) «چگونه به خدا کفر می ورزید، در حالی که شما مرده بودید خدا شما را زنده کرد، پس از آن شما را خواهد میراند، و سپس شما را

زنده می کند، و پس از آن به سوی او بر می گردی». در اهمیت حق حیات انسانها همین بس که قرآن، احیای یک شخص را به منزله احیای تمام بشریت دانسته و قتل یک شخص را نیز کشتن تمام بشریت تلقی کرده است (مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...مائده ۳۲/ « برای همین بر بنی اسرائیل نوشتیم (واجب کردیم) که هر کس شخصی را بکشد بدون اینکه قتلی انجام داده یا در زمین فساد کرده باشد، مانند این است که تمام انسان ها را کشته است، و کسی که یک شخص را زنده کند، مانند این است که تمام انسان ها را زنده کرده است...»

۳-۲-۲ حق نفقه

یکی از حقوق فرزند، نفقه اوست که بر عهده پدر است که در نظام خانواده به آن پرداخته شده است. نفقه فرزند، همان تامین معاش و زندگی اوست که به عنوان یک تکلیف بر عهده سرپرست خانواده نهاده شده است. خداوند در سوره مبارک بقره آیه ۲۳۳ میفرماید: (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلًا وَلَا أُمٌّ بِرِضَاعِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ...» « و مادران، فرزندان را دو سال کامل، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد [دوران] شیر دادن را به اتمام رساند. و بر آن کس که نوزاد برایش متولد شده، لازم است خوراک آن (مادر) آن و پوشاک آنان را بطور پسندیده [در دوران شیر دادن فراهم آورد]. هیچ کس، جز به اندازه توانائیش، تکلیف نمی شود. هیچ مادری به واسطه فرزندش ضرر نبیند (و به او زیان نرساند)؛ و نه کسی که فرزند برایش متولد شده به واسطه فرزندش (ضرر ببیند و به او زیان رساند)....» مرحوم طبرسی ذیل این آیه می گوید: مادران، زنانی که طلاق گرفته اند، نیز شامل میشود و کلمه "يُرْضِعْنَ" به صورت مضارع مؤکد آمده که در اینجا به معنای امر بوده و خداوند به مادران امر میکند که فرزندان را تا دو سالگی شیر بدهند و این نفقه فرزند است. «طبرسی، فضل ابن حسن، ۱۳۷۲ ه ش، ج ۱ ص ۱۲۸»

۳-۲-۳ حق دفاع

حق دفاع از فرزند، از دیگر حقوقی است که خداوند آن را بر عهده والدین نهاده است. حضرت نوح (ع) در آخرین لحظاتی که بر کشتی سوار شده بود و عذاب الهی نزدیک به وقوع بود فرزند خویش را فراموش نکرد و او را ندا داد: (وَنَادَى نُوحُ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ هود / ۴۲) « آن کشتی ایشان را در میان موجی کوه آسا میبرد و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ زد ای پسرک من با من سوار شو و با کافران مباش» در حالی که سیل همه جا را فرا گرفته حضرت نوح در کشتی نجات بود، یک لحظه از وضعیت فرزندش غافل نشد و برای نجات جسم او از غرق شدن و جان او از کفر خطاب به او آیه ذکر شده را بیان فرمود.

از دیگر آیاتی که شاهد خوبی بر حق دفاع از فرزندان و نجات آنها از چنگال ظالمان است، آیه ۷۵ نساء است که خداوند می فرماید: (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ

الْقَرِيَةِ الظَّالِمِ أَهْلِهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا) «و چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید، همان افراد [ستم‌دیده‌ای] که می‌گویند: «خدایا ما را از این شهر [مکه] که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرستی قرار بده و از برای ما از طرف خود یار و یاور تعیین فرما».

۳-۲-۴ حق حضانت

حضانت نیز یکی از حقوق کودک است که بر عهده والدین اوست که در فقه خانواده قابل بررسی است. به دلیل مهر و محبت مادری و اینکه مادر به حضانت و نگه داری کودک شایسته تر است این، این مسئولیت ابتدا به او سپرده شده است. در قرآن کریم موضوع حضانت کودک در آیه ۲۳۳ بقره مطرح شده است که خداوند میفرماید: (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ.....) «و مادران، فرزندان را دو سال کامل، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد [دوران] شیر دادن را به اتمام رساند.....».

علامه دهخدا در لغت نامه خود می‌گوید: حضانت در لغت به معنی تربیت و نگهداری اطفال است و هر چیزی که تربیت و نگهداری به آن بستگی دارد. «دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۳ ه ش، ج ۶، ۹۱۲۱»

۳-۲-۵ حق ارث

از حقوق حائز اهمیتی که در فقه خانواده برای فرزند وجود دارد حق ارث است که خداوند احکام آن را به شکل مبسوط در آیه ۱۱ سوره مبارک نساء آورده است: (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ.....) «خداوند به شما، درباره فرزندان سفارش می‌کند که [از میراث] برای پسری به اندازه سهم دو دختر باشد و اگر فرزندان شما [دو دختر و] بیش از دو دختر بوده باشد، دو سوم میراث از آنهاست و اگر یکی بوده باشد نیمی [از میراث] از آن اوست و برای پدر و مادر او [کسی که از دنیا رفته] هر کدام یک ششم میراث است، اگر فرزندی داشته باشد.....». سهم الارث فرزند در کتاب آیات الاحکام استاد کاظم مدیر شانه چی چنین تشریح شده است که می‌گوید: صورت انحصار وارث در اولاد چند فرض وجود دارد. اول اجتماع دختر و پسر، که اگر وارث یک پسر و یک دختر باشند، سهم پسر دو برابر سهم دختر است؛ یعنی ترکه سه سهم است دو سهم برای پسر و یک سهم برای دختر (لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ) و دوم اینکه در صورت انحصار وارث به دختر، اگر بیش از دو دختر باشند دو سوم ترکه را به فرض (فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ) و بقیه را به رد می‌برد چرا که در مرتبه آنان وارث دیگری وجود ندارد. و اگر فقط یک دختر از متوفی باقی مانده باشد یک دوم ما ترک را به ارث و بقیه را به رد می‌برد «مدیر شانه چی، کاظم، ۱۳۷۹ ه ش، ص ۳۰۰»

۳-۲-۶ حق مشورت

یکی از حقوق مهمی که در قرآن کریم و توصیه‌های امامان معصوم علیهم السلام برای فرزندان بر عهده پدر و مادر نهاده شده است، حق مشورت با فرزند می‌باشد. خداوند در سوره صافات آیه ۱۰۲ می‌فرماید: «(فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ

إِنِّي أرى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ صافات / ۱۰۳
(پس هنگامیکه حضرت ابراهیم با فرزندش حضرت اسماعیل به مقام سعی و کوشش رسید (حضرت ابراهیم) گفت فرزندم همانا من در خواب دیدم که باید ترا ذبح کنم پس بنگر عقیده‌ات چیست گفت ای پدرم آنچه بدان مأموری اجرا کن به خواسته خداوند متعال مرا بزودی از صابران خواهی یافت».

آقای نجفی در ذیل این آیه تعبیر زیبایی از «سعی» آورده و می‌گوید: منظور از «سعی» این است که به سنی رسیده بود که عادات می‌توانست در کارهای زندگی به پدر خود کمک کند «نجفی، محمد جواد، ۱۳۶۲ ه. ش، ج ۱، ص ۳۶۱» و نکته قابل تاملی که در این آیه و تفاسیر آن وجود دارد و در تفسیر «الجدید فی تفسیر القرآن المجید» آمده است این است که: و از فرازهای بعد معلوم میشود که حضرت ابراهیم با فرزندش در این مسأله با اینکه حتمی بود، مشورت کرد «سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۷۶».

۳-۲-۷- حق ولایت

ولایت، عبارت است از تصرفاتی که پدر بر فرزند خود می‌کند و این تصرف و دخالت، به سرنوشت او ارتباط پیدا می‌کند؛ مثلاً اگر بیمار شود، این حق پدر است که نظر می‌دهد او پیش کدام پزشک برده شود. اگر فرزند، دختر باشد، بدون اجازه پدر جایز نیست به عقد دیگری درآورده شود و یا اگر کودک دارای اموالی باشد، تصرف در اموال او بدون اجازه پدر، جایز نیست. از آیاتی که شاهد ولایت پدر یا جد پدری بر فرزند است آیه ۲۳۷ بقره است که خداوند میفرماید: «وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ بقره / ۲۳۷» و اگر آن (زن) ان را، پیش از آنکه با آنان تماس بگیرد، و در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، طلاقشان دهید، پس نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنان بدهید) مگر اینکه [آنان] ببخشند؛ یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست، ببخشد. و گذشت کردن (شما) به پارسایی (و خودنگهداری) نزدیک تر است. و بخشش را در میان خودتان فراموش نکنید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست.»

آقای مشایخی در کتاب خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی می‌گوید: طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد. حضانت و سرپرستی اطفال در طفولیت مربوط به مادر است اما موضوع ولایت پدر و جد پدری بر دختر باکره و دوشیزه است که مورد اختلاف فقها می‌باشد. «مشایخی، قدرت الله، ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۱۳۱»

۳-۲-۸- حق تعلیم و تربیت

از حقوق دیگری که در قرآن کریم برای فرزندان بر عهده پدر و مادر نهاده شده، حق تعلیم و تربیت آنهاست. محمد جواد مغنیه در تفسیر کاشف می‌گوید: در نگاه قرآنی تربیت اولاد جزو حقوق واجب است و چون رفتار پدر و مادر در وجود فرزند و تربیت او بسیار تأثیر گذار بوده، خداوند آنان را در مسیری که فرزندان می‌پیمایند، مسئول میداند و از والدین می‌خواهد که

فرزند خود را به راه حق ارشاد کنند» مغنیه ، محمد جواد ، ۱۴۲۴ ه ق ، ج ۴ ، ص ۱۶۲ . خداوند در آیه ۱۳۲ بقره به این موضوع و تعلیم و تربیت توسط حضرت ابراهیم و حضرت یعقوب اشاره می کند: (وَ وَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ بقره/۱۳۲) « و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به آن [آیین]، سفارش کردند؛ (و هر کدام گفتند: ای پسران من! در حقیقت خدا برای شما این دین را برگزیده است؛ پس نمیرید مگر در حالی که شما مسلمانید.».

از شواهد دیگری که در خصوص حق تعلیم و تربیت فرزند در قرآن کریم وجود دارد آیات ۱۷، ۱۸ و ۱۹ سوره لقمان است که لقمان چند نکته اخلاقی مهم را به فرزندش گوشزد میکند و ضرورت مراقبت پدر را نسبت به رفتارها و روحیات اخلاقی فرزندش آشکار میسازد. در این آیات آمده است: (يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ لقمان /۱۷) « ای پسرکم! نماز را برپا دار و به [کار] پسندیده فرمان بده و از [کار] ناپسند منع کن و در برابر آنچه (از مشکلات) که به تو می رسد، شکیبا باش؛ که این [حاکمی] از تصمیم استوار (شما در) کارهاست؛» (وَ لَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ * وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ لقمان / ۱۷ و ۱۸) « و از مردم، رخت را (متکبرانانه) برنتاب؛ و در زمین با سرمستی و تکبر راه نرو، [چرا] که خدا هیچ متکبر خیال پرداز فخرفروشی را دوست ندارد؛* و در راه رفتنت، معتدل باش و صدایت را فروگاه؛ [چرا] که مسلماً، ناپسندترین صداها، صدای الاغهاست.».

۳-۳ مباحث فقهی خواهران و برادران

از آیات الاحکامی که در قرآن وجود دارد ، آیات مربوط به خواهران و برادران در خانواده است که به آن پرداخته می شود.

۳-۳-۱- حق ارث

یکی از احکامی که در قرآن کریم تشریح شده است موضوع ارث خواهران و برادران است که خداوند در آیه ۱۲ سوره نساء به آن پرداخته است: (..... وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ نساء/۱۲) «..... اگر مردی یا زنی در حالی که کلاله (یعنی بی فرزند و بدون پدر و مادر) باشد (از او) ارث برده شود و برایش برادر یا خواهر (مادری) باشد، پس یک ششم (میراث) فقط برای هر یک از آن دو است؛ و اگر (آنان) بیش از این (یک خواهر یا برادر) باشند، پس آنان در یک سوم (میراث) شریکند؛ پس از (انجام) وصیتی که بدان سفارش کرده، یا بدهی (که باید پرداخت شود)، در حالی که (آن وصیت کننده) ضرر زننده نباشد. [این] سفارشی از جانب خداست؛ و خدا دانایی بردبار است.»

دکتر رضایی اصفهانی در تفسیر مهر در خصوص سهم الارث خواهر و برادر می گوید: الف) اگر مرد یا زنی از دنیا برود (و فرزند و پدر و مادر نداشته باشد) برادران و خواهران او هر کدام سهمی از ثلث اموال او را به ارث می برند.

ب) اگر مرد یا زنی از دنیا برود (و فرزند و پدر و مادر نداشته باشد) و فقط یک خواهر و یک برادر داشته باشد، هر کدام یک ششم اموال او را به ارث می‌برند» رضایی اصفهانی، پیشین، ج ۴ ص ۶۱ « که البته تفصیل این احکام در کتب فقهی آمده است.

۳-۳-۲- حق دوستی و صله رحم

یکی از حقوقی که در فقه خانواده برای خواهر و برادر ترسیم شده است، حق دوستی، صله رحم و پیوند خویشاوندی است که از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است قرآن کریم در سوره رعد به صورتی کلی و در قالب دستور به برقراری پیوند با همه خویشاوندان توصیه نموده است: (وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ رعد / ۲۱) « و کسانی که آنچه را خدا فرمان به پیوستنش داده، می‌پیوندند؛ و از (مخالفت) پروردگارشان می‌هراسند؛ و از حساب بد می‌ترسند» «صله ی رحم» یکی از وظایف مسلمانان است و این امر منحصر در دیدار و ملاقات نیست و شامل کمک‌های مالی، فکری و علمی نیز می‌شود. در تفسیر حویزی حدیثی از امام صادق (ع) آمده است و با این آیه تعامل برقرار نموده اند: امام صادق (ع) در آستانه‌ی رحلت از دنیا، دستور دادند برای بستگانی که به ایشان جسارت کرده بودند، هدیه‌ای بفرستند، و هنگامی که از حضرت در این مورد پرسش شد، آیه‌ی فوق را تلاوت کردند. «حویزی، علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ه. ق، نوبت ۴، ج ۲، ص ۴۹۵»

۳-۳-۳- حق محرمیت

یکی دیگر از حقوقی که در نظام خانواده برای خواهر و برادر وجود دارد حق محرمیت است که حکم آن در سوره مبارک نور آیه ۳۱ تشریح شده است: (..... وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ نور / ۳۱) «..... و زیورشان را آشکار ننمایند، جز آنچه را که از آنها ظاهر است؛ و باید روسری‌هایشان را بر گریبان‌هایشان (فرو) اندازند، و زیورشان را آشکار نمایند جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان (هم کیش) شان، یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند، یا مردان (خدمتکار) تابع (خانواده) که (از زنان) بی نیازند، یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده‌اند؛ و پاهایشان را (به زمین) نزنند تا آنچه از زیورشان پنهان می‌دارند، معلوم گردد؛ و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید.»

۳-۳-۴- مباح بودن غذا خوردن در خانه خواهر و برادر

از دیگر حقوقی که در فقه خانواده برای خواهر و برادر وضع شده است مباح بودن غذا خوردن در خانه همدیگر است که قرآن کریم حکم جامع آن را در سوره نور آورده است و می‌گوید: (لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ....

نور/۶۱) «هیچ تنگی (و تکلیفی) بر نابینا نیست و (نیز) هیچ تنگی (و تکلیفی) بر لنگ نیست، و (نیز) بر بیمار و بر خودتان هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست که (بدون اجازه غذا) بخورید از خانه‌های (فرزندان و همسران) تان یا خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا خانه‌های خواهرانتان....»

۳-۴- مباحث فقهی اقارب و خویشاوندان

از دلائل جامعیت قرآن در مباحث فقه خانواده، آیات الاحکام مربوط به خویشاوندان است، که خداوند متعال حتی مباحث فقهی اقارب و خویشاوندان را نیز در قرآن ذکر نموده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۴-۳-۱- نفقه اقارب و خویشان

در راستای یکپارچگی و استحکام ارکان خانوادگی، اسلام حقوق مشترکی را میان خویشاوندان مقرر نموده است که یکی از آنها نفقه اقارب و خویشان است. خداوند متعال می‌فرماید: (لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ بقره/۱۷۷) «نیکی این نیست که رویتان را به سوی خاور و (یا) باختر نمایید؛ و لیکن نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب (الهی) و پیامبران، ایمان آورد؛ و ثروت (خود) را در حالی که دوستش دارد، به مصرف نزدیکان و یتیمان و بینویان و در راه مانده و گدایان، و در [راه آزاد کردن] بردگان برساند؛ و نماز را بر پا دارد و [مالیات] زکات را بپردازد؛ و (کسانی که) چون عهد بستند، به عهد خود وفا دارند. و در سختی (زندگی) و زیان (جسمی) و به هنگام سختی (جنگ)، شکیبایند؛ آنان کسانی هستند که راست می‌گویند؛ و تنها آنان پارسا (و خود نگهدار) هستند.»

و باز خداوند در سوره اسرا در خصوص حقوق نزدیکان و خویشان سفارش می‌کند و می‌گوید: (وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا اسرا / ۲۶) «و حق نزدیکان و بینوا و در راه مانده را، به او بده؛ و با اسرافکاری، (اموال خود را) تلف مکن». نکته ای که در این حائز اهمیت است این است که این آیه رسیدگی به حق خویشاوندان و نیازمندان را وظیفه‌ی افراد می‌داند؛ پس اگر کسی به آنان کمک کرد منت نگذارد.»

۴-۳-۲- وصیت برای خویشاوندان

یکی از مواردی که در فقه خانواده در خصوص خویشاوندان مطرح شده است مسئله وصیت شایسته است خداوند می‌فرماید: (كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ بقره / ۱۸۰) «بر شما مقرر شده است که: «چون مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر (مال) خوبی (از خود) به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور پسندیده وصیت کند. [این] حقی بر پارسایان (خود نگهدار) است». با توجه به اینکه هر کس می‌تواند برای

ثلث مال خویش وصیت نماید و خویشاوندان یکی از شایسته ترین افرای هستند که می توان نسبت به آنها وصیت نمود این آیه در کنار ارث واقع شده است.

۴-۳-۳- صله رحم

قرآن کریم در مورد ضرورت رفت و آمد، الفت و محبت با خویشاوندان قرآن به صراحت می فرماید: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَانِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا احزاب / ۶) «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسرانش مادران ایشان هستند؛ و خویشاوندان، در کتاب خدا، برخی از آنان نسبت به برخی از مومنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوارترند، مگر آن که (بخواهید) نسبت به دوستانتان [کار] پسندیده‌ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است.»

خداوند یکی از ویژگیهای فاسقان را قطع صله رحم میداند و می فرماید: (الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ بقره / ۲۷) «(همان) کسانی که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن می شکندند و آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده، می گسلند، و در زمین فساد می کنند تنها آنان زیانکارند.»

۴-۳-۴- حق ارث خویشاوندان

در فقه خانواده خویشان و نزدیکان نیز از حق ارث برخوردار میشوند. این حقوق در قرآن کریم تشریح شده است. خداوند متعال در سوره نساء و انفال می فرماید: (لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا نساء / ۷) «برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (آنان) بر جای گذاشته‌اند، سهمی است؛ و برای زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (آنان) بر جای گذاشته‌اند، سهمی است؛ چه آن [میراث]، کم باشد یا زیاد؛ [در حالی که این] سهمی تعیین شده است.» و در آیه بعدی می فرماید: (وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا نساء / ۸) «و اگر هنگام تقسیم (ارث)، نزدیکان و یتیمان و بینوایان، حاضر شدند، پس [چیزی] از آن، به آنها روزی دهید؛ و با آنان سخنی پسندیده گویند.»

۴-۳-۵- مباح بودن غذا خوردن در خانه خویشاوندان

یکی دیگر از آیات الاحکامی که برای خویشاوندان در قرآن کریم آمده است آداب غذا خوردن و ورود به خانه‌های خویشاوندان است که خداوند می فرماید: (...أَوْ بِيوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بِيوتِ عَمَاتِكُمْ أَوْ بِيوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بِيوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ... نور / ۶۱) «...یا خانه‌های عموهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های دایی‌هایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان، یا آن (خانه‌هایی) که کلیدهایش در اختیار شماست...»

۳-۵- مباحث فقهی همسران

در این قسمت از تحقیق به آیات الاحکام مربوط به همسران در پیش از ازدواج ، حین ازدواج ، بعد از ازدواج و پس از جدایی پرداخته می شود .

۳-۵-۱- احکام فقهی قبل از ازدواج در قرآن کریم

آیات الاحکام قبل از ازدواج شامل ،امر به ازدواج ، خواستگاری ، نگاه به همسر آینده و کفویت زن و مرد می باشد که در این قسمت ذکر می شود .

۳-۵-۱-۱- امر به ازدواج در قرآن کریم

از مهمترین آیاتی که در قرآن کریم امر به ازدواج نموده است آیه ۳۲ سوره مبارک نور است که خداوند میفرماید: (وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ نُور /۳۲) «و افراد بی همسرتان، و شایستگان از بندگان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می سازد؛ و خدا گشایشگری داناست.» در حدیثی از حضرت امام علی (ع) روایت شده که فرمودند: بهترین شفاعت آن است که انسان میان دو نفر برای کار ازدواج، واسطه شود تا به سامان برسند. «کلینی ، پیشین ، ج ۵، ص ۳۳۱» از آیات دیگری که در خصوص ازدواج و تاکید آن در دین اسلام می توان ذکر نمود این آیات است: (هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا..... اعراف /۱۸۹) « او کسی است که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را قرار داد، تا بدان آرام گیرد.....»

۳-۵-۱-۲- خطبه و خواستگاری

از آیات الاحکامی که در قرآن کریم آمده است و مربوط به پیش از عقد و حریمت بین مرد و زن است ، خطبه و خواستگاری است . خداوند میفرماید: (وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَ لَا تَعْزِمُوا عَقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجْلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ بقره /۲۳۵) «و هیچ گناهی بر شما نیست که در مورد خواستگاری زنان (پس از مرگ همسرانشان) به طور سر بسته بدان سخن بگویید، یا [آن را] در دلتان پوشیده دارید. خدا می داند که شما بزودی به یاد آنان خواهید افتاد؛ و لیکن پنهانی با آنها قرار [زناشویی] نگذارید، مگر آنکه (به کنایه) سخن پسندیده ای بگویید؛ و به پیوند ازدواج تصمیم مگیرید، تا (عده وفات) نوشته شده به سرآمدش برسد. و بدانید که خدا آنچه را در دل هایتان دارید، می داند. پس از [مخالفت] او پرهیزید؛ و بدانید که خدا، بسیار آمرزنده بردبار است»

بحرانی در کتاب خود می گوید: قدر مسلم از این آیه، جواز خواستگاری با کنایه، از زنی است که در عده وفات باشد، زیرا آیه پیشین، درباره زنان شوهر مرده است، ولی گروهی آن را شامل هر زنی که در عده طلاق باین باشد نیز دانسته اند. «بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، ۱۴۰۵ ه ق ، ج ۲۴، ص ۹۱.»

مرحوم محقق ثانی در خصوص حکم خواستگاری می گوید: خواستگاری، پیشنهاد برای تشکیل خانواده و از مستحبات است. «عاملی، کرکی، علی بن حسین، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۲، ص ۴۶»

۳-۱-۵-۳- احکام نگاه به همسر آینده

یکی از مسائلی که قبل از ازدواج در فقه خانواده مطرح شده است، مسئله نگاه مرد به همسر آینده خویش است. مرحوم صاحب جواهر می گوید: نگاه به زنی که انسان قصد ازدواج با او را دارد، به اجماع فریقین جایز است «نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲۹، ص ۶۳» تا با بصیرت کامل، همسر خود را برگزیند. مرحوم حکیم در کتاب مستمسک خود می گوید: البته در محدوده مجاز نگاه، و لزوم رضایت دختر، اختلاف است. «حکیم، سید محسن طباطبایی، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۱۴، ص ۱۲-۱۶». شاهی که جهت این حکم وجود دارد این آیه است که خداوند می فرماید: (لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا أَحْزَابًا / ۵۲) «بعد از (این همسران، ازدواج با) زنان و این که همسران (دیگری) جایگزین آنان کنی، بر تو حلال نیست؛ هر چند نیکویی آنان تو را به شگفت آورد، مگر آنچه (از کنیزان) مالک شده‌ای؛ و خدا نگهدار هر چیزی است.» زیرا در این آیه، خداوند به پیامبر اعلام می‌دارد: پس از این، ازدواج یا تبدیل همسران به همسران دیگر، بر تو حلال نیست؛ هر چند جمال آن‌ها مورد توجه تو واقع شود و اعجاب بدون نگاه حاصل نمی‌شود

۳-۱-۵-۴- کفویت زن و مرد

بی شک از مهم‌ترین عوامل پیوند پایدار و ازدواج موفق و زندگی آرام، هم‌شان بودن زن و مرد است. اسلام به هم‌شان بودن زوجین در امر خطیر ازدواج تأکید فراوان کرده و با واژه «کفو» از آن یاد کرده است. قرآن کریم به این موضوع با اهمیت اشاره کرده و می‌فرماید: (الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ نور / ۲۶) «زنان پلید از آن مردان پلیدند، و مردان پلید از آن زنان پلیدند؛ و زنان پاک (نیکو)، از آن مردان پاک (نیکوی) ند، و مردان پاک (نیکو) از آن زنان پاک (نیکوی) ند؛ آنان از آنچه می‌گویند، برکنارند؛ و برای آنان آمرزش و روزی ارجمندی است.» بنابراین باید توجه داشت که زن با ایمان با مردی که اهل ایمان نیست، و در گمراهی‌ها و معصیت‌ها دست و پا می‌زند، نباید ازدواج کند. والدین توجه داشته باشند که برای جوان پاک و مؤمن خود، دختری را که منکر اصول الهی است به همسری انتخاب نکنند که شرط اول در صحت ازدواج ایمان زوجین است تا دو نور و دو پاک و دو پاکیزه و دو مؤمن به هم برسند، و از به هم رسیدن آنان ثمرات شایسته و پاک که همان فرزندان صالحند به وجود آیند.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرَضُونَ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ يَخْطُبُ إِلَيْكُمْ فَزَوْجُوهُ إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ» شیخ طوسی، ۱۳۷۶ ه ش، ص ۵۱۹ «کسی که از دختر شما خواستگاری کرد و شما نسبت به دین و امین بودن وی رضایت داشتید، حتماً زمینه این ازدواج را فراهم نمائید، که منع ازدواج کفو با کفو از جانب شما زمینه ساز فتنه در روی زمین و فساد بزرگ است.

۳-۵-۲- احکام فقهی حین ازدواج در قرآن کریم

۳-۵-۲-۱- مهریه

یکی از ابتدایی ترین مباحث فقهی حین ازدواج، مهریه است که از طرف مرد به زن تقدیم می شود. مهریه ملک اختصاصی زن بوده و هیچ کس حتی پدرش سهمی در آن ندارد. قرآن کریم نیز به اهمیت مهریه و لزوم پرداخت آن اشاره می کند و می فرماید: (وَآتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا نساء/۴) «و مهریه های زنان را (به عنوان هدیه یا) بدهی به آنان بپردازید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما [ببخشند]، آن را گوارا (و پاک و) دلچسب بخورید.» در کتاب گرانسنگ من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق (ره) آمده است امام صادق (ع) می فرماید: هر کس با زنی ازدواج کند و قصد نداشته باشد که مهریه ی او را بپردازد، (شوهر آن زن نشده و) عمل نامشروع انجام می دهد.» ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۷ ه ش، ج ۳، ص ۳۹۸ «

۳-۵-۲-۲- خطبه و عقد

با توجه به اینکه زندگی مشترک، به شکل رسمی پس از عقد آغاز می شود، از آن به عنوان مهمترین مسئله در شکل گیری زندگی زناشویی در فقه خانواده مطرح می شود. قرآن کریم از پیمان زناشویی به عنوان «پیمان محکم» یاد می کند و می گوید: (وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا نساء/۲۱) «و چگونه آن [مهر] را می گیرید، و حال آن که برخی از شما به برخی [دیگر] کام داده اید! و آنان از شما (در هنگام ازدواج)، پیمان محکم شدیدی گرفته اند؟»

از نکاتی که باید توجه نمود در مباحث فقهی عقد این است که مراسم ایجاب و قبول از جمله رکن اساسی عقد نکاح بشمار میرود که: بین زوجین به لفظ صریح نکاح و یا زواج صورت بگیرد. تمام فقهای اسلام به رکن بودن ایجاب و قبول توافق نظر دارند به این معنا که ازدواج بدون ایجاب و قبول نکاح باطل و بصورت مطلق جواز ندارد.

۳-۵-۲-۳- موانع ازدواج و اسباب حرمت آن

یکی از مسائل مهمی که در فقه خانواده مطرح شده است حرمت ازدواج است این حرمت، در مواردی دائمی و گاهی موقتی است. اکنون به بررسی این موارد در قرآن کریم می پردازیم. خویشاوندی نسبی یک از موارد است. محارم نسبی کسانی هستند که از راه تولد، چه به صورت مشروع و چه به صورت نامشروع به دنیا آمده باشند که به هفت دسته تقسیم می شوند: مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر، دختر خواهر. قرآن کریم در آیه بیست و سوم سوره ی نساء زنانی را که ازدواج با آنان ممنوع است، بر می شمارد و می فرماید: (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ... نساء/۲۳). علامه طبرسی ذیل این آیه می گوید: کلمه «أُمَّهَاتُ»، مادر بلاواسطه انسان و همچنین مادر مادر و مادر پدر و جدّه مادر و جدّه پدر هرچه بالا بروند را شامل می شود. «طبرسی، پیشین، ج ۳، ص ۴۶». ازدواج با خویشاوندان

نسبی در غیر مواردی که در آیه ذکر شد، جایز و مشروع است که قرآن چهار مورد آن را در آیه ۵۰ احزاب خطاب به پیامبر آورده است.

خویشاوندی رضایی نیز سبب محرمت ازدواج است. محرم شدن به واسطه شیر خوردن در موارد متعددی حاصل می‌شود. قرآن فقط به دو مورد (مادر و خواهر رضاعی) پرداخته است. در مورد اول آن اگر فرزندی از یک زن دیگر غیر از مادر خویش شیر بخورد (رضاع)، حکم محارم نسبی بر او مترتب می‌گردد. در آیه ۲۳ سوره نساء آمده است: (.....وَأُمَّهَاتُكُمُ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرِّضَاعَةِ..... نساء/۲۳). از موارد بعدی خواهر زن است: (وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ نساء/۲۳) حضرت امام خمینی (ره) می‌گوید: ازدواج با دو خواهر در یک زمان، چه دائم و چه موقت، هرچند آن رضاعی باشند، حرام است. « موسوی خمینی، روح... بی تا، ج ۲، ص ۲۵۰».

یکی دیگر از مواردی که سبب حرمت ازدواج می‌شود خویشاوندی سببی است که یک ازدواج، سبب حرمت ازدواج‌های دیگر می‌شود. مصادیق آن مانند: مادر زن: حکم مادر زن، شامل مادر پدر زن و مادر مادر زن، هرچه بالا رود می‌شود. دختر زن (ربیبه). قرآن می‌فرماید: (.....وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبَاتِكُمُ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ..... نساء/۲۳) یکی دیگر از اسباب حرمت ازدواج که در فقه خانواده مطرح شده است طلاق سوم است. خداوند می‌فرماید: (الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا..... بقره /۲۲۹) «طلاق (قابل بازگشت)، دو مرتبه است؛ پس بطور پسندیده نگاه داشتن، یا به نیکی آزاد کردن [همسر بر شما واجب است]....»

مرحوم شیخ صدوق می‌گوید: اسلام برای جلوگیری از سوء استفاده مردان، تعدد طلاق را مانع ازدواج قرار داده است تا مرد بر زن سخت نگیرد و از حق طلاق که در دست او است، به آسانی استفاده نکند. «ابن بابویه قمی، محمد ابن علی، ۱۳۷۳ ش، ج ۲، ص ۱۶۱ و ۱۸۸»

از موارد دیگری که جز اسباب حرمت ازدواج است و قرآن به آن پرداخته است زن شوهر دار و یا زنی است که در عده شخص دیگری است. خداوند می‌فرماید: (وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحِلُّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا..... نساء /۲۴) «و زنان شوهردار (نیز بر شما حرام است)؛ مگر آنچه (از کنیزان) که مالک شده‌اید. (این احکامی است که) خدا بر شما مقرر داشته است....»

همسر پنجم با توجه به اجماع فقها و آیه سوم سوره مبارک نساء دارای حرمت است و بر مرد بیش از چهار همسر به عقد دائم در یک زمان حرام است. خداوند می‌فرماید (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا نساء/۳) «و اگر می‌ترسید که دادگری را، در (تصرف در اموال و در مورد ازدواج با دختران) یتیم رعایت نکنید، پس می‌توانید آنچه از زنان، دلخواهتان است، دو و (یا) سه و (یا) چهار، به زنی بگیرید. و اگر می‌ترسید عدالت را رعایت نکنید، پس (به) یک (همسر)، یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اید، (اکتفا کنید.) این [کار]، به (عیال‌وار نشدن و ستم نکردن و) منحرف نشدن نزدیک تر است.»

در سنن کبری بیهقی آمده است: پس از نزول آیه، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به غیلان بن سلمه ثقفی که ۱۰ همسر داشت، فرمان داد چهارتای آنان را نگه دارد و بقیه را رها سازد. «بیهقی، احمد ابن حسین، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۷۸»

۳-۵-۳ احکام فقهی بعد ازدواج در قرآن کریم

در این قسمت از تحقیق به آیات الاحکام فقهی همسران پس از ازدواج در قرآن می پردازیم.

۳-۵-۳-۱- حقوق زوجیت

اصلی ترین مباحثی که پس از ازدواج، مطرح شده است، حقوق زوجیت است که همسران باید به آن پایبند باشند و خداوند متعال این حقوق را در قرآن کریم تشریح نموده است. خداوند می فرماید: «...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (بقره/۲۲۸) «و برای آن زنان (حقوق) پسندیده قرار داده شده، همانند آنچهان (وظایفی) که بعهده آنان است». در نظام خانواده هر کجا وظیفه ای وجود دارد، در کنار آن حقی هم ثابت است و زنان همانگونه که در خانواده دارای وظایفی هستند خداوند حقوقی هم برای آنان قرار داده است.

ابتدا به حقوق زن بر شوهر می پردازیم. از حقوق مهم زن در خانواده پرداخت مهریه است که در قرآن کریم تشریح شده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا نِسَاءً/۴» «و مهریه های زنان را (به عنوان هدیه یا) بدهی به آنان بپردازید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما [ببخشند]، آن را گوارا (و پاک و) دلچسب بخورید.» فاضل کاظمی در مسالک الافهام می گوید: قرآن کریم در این جمله کوتاه، به سه نکته اساسی اشاره کرده است: اولاً از مهر، با نام «صدق» که از ماده صدق است، یاد کرده که راستین بودن پیوند زناشویی و علاقه مرد را نشان می دهد ثانیاً با آوردن ضمیر «هن»، مهریه را به زن متعلق می داند، نه پدر و مادر او تا بخواهند آن را دستمزد به شمار آورند. ثالثاً با کلمه «نحله» تصریح می کند که مهریه پیشکش است نه آن که زن مانند اجیر به خانه شوهر برود تا کارهای خانه را انجام دهد.» کاظمی، فاضل، جواد بن سعد اسدی، بی تا، ج ۴، ص ۹۳ و ۱۰۷»

از حقوق دیگر زن نفقه است. حق نفقه زن بر شوهر واجب است و مرد باید نیازمندیهای زندگی همسر خویش را در حد متعارف تامین نماید. نیازهایی مانند خوراک، پوشاک و مسکن. خداوند در قرآن کریم می فرماید (....وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لِاتُكَلِّفَ نَفْسُ الْإِلَّهِ وَسَعَهَا... بقره/۲۳۳) «لازم است خوراک آن (مادر) ان و پوشاک آنان را بطور پسندیده [در دوران شیر دادن فراهم آورد]. هیچ کس، جز به اندازه توانائیش، تکلیف نمی شود.»

از دیگر حقوق زن، حق حضانت فرزند است. حق حضانت و شیر دادن در دو سال شیرخوارگی مخصوص مادر است. خداوند می فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ...» (بقره/۲۳۳) علامه طباطبایی (ره) می گوید: نگه داری و شیر دادن به طفل، بر مادر واجب نیست و او می تواند به اراده خود، این دو کار را بپذیرد یا از آنها شانه خالی کند، چنان که از جمله (.... لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ... فَإِنْ أَرَادَ فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ... بقره/۲۳۳) استفاده

می‌شود، ولی در عین حال، این دو کار از حقوق مادر است، بنابراین، شوهر نمی‌تواند میان مادر و فرزند، تا دو سال جدایی بیندازد. «طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۰».

یکی از مهمترین حقوقی که در نظام خانواده برای زن مقرر شده است حق ارث است که بعد از وفات شوهر به او تعلق می‌گیرد. قرآن در سوره نساء آیه ۷ این حق را بیان می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا نساء/۷» «برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (آنان) بر جای گذاشته‌اند، سهمی است؛ و برای زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (آنان) بر جای گذاشته‌اند، سهمی است؛ چه آن [میراث]، کم باشد یا زیاد؛ [در حالی که این] سهمی تعیین شده است»

از دیگر حقوق زن، حق موافقه (نزدیکی) حقی است برای زوجه که خداوند بر عهده زوج نهاده است و مرد نباید بیش از چهار ماه از همسر خویش دوری کند و با وی آمیزش نداشته باشد. قرآن کریم می‌فرماید: (اللَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَؤُا فَإِنَّ اللَّهَ عَفْوَرٌ رَحِيمٌ بقره/۲۲۶) «برای کسانی که [سوگند یاد می‌کنند تا] نسبت به زنانشان کوتاهی کنند. چهار ماه انتظار [و مهلت] است. و اگر بازگشت کنند پس (چیزی بر آنها نیست زیرا) که خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.» مرحوم حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه می‌گوید: صفوان از امام رضا (ع) در خصوص مردی که به خاطر مصیبتی که بر او وارد شده است از موافقه با همسر جوانش خودداری می‌کند، سؤال شد و امام (ع) فرمودند تا چهار ماه بر او اثمی و گناهی نیست و بیش از آن مجاز نخواهد بود. «حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۲۰، ص ۱۴۱»

پس از حقوق زن، به حقوق مرد بر همسر خود در قرآن می‌پردازیم.

مهمترین حق مرد بر زن حق سرپرستی است. حق سرپرستی در نظام خانواده بر عهده مرد گذاشته شده است از نظر عقلی، مدیریت مرد بر خانواده و زن، به این دلیل است که مبادرت به انتخاب همسر و تشکیل خانواده، حمایت از همسر، تأمین معاش زن و فرزندان و حفظ مصالح آنها به طور طبیعی بر عهده مرد است. خداوند می‌فرماید: (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ... نساء/۳۴) «مردان، [مایه‌ی] پایداری زنانند؛ به خاطر آن‌که خدا برخی آنان را بر برخی [دیگر] برتری داد، و به خاطر آنچه از اموالشان (در مورد زنان) هزینه می‌کنند. و زنان شایسته فرمان‌بردارانی فروتنند، که به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، در غیاب (همسر خود، اسرار و حقوق او را)، نگاهبانند...»

یکی از وظائف و حقوق مهم زن در قبال همسر خویش تمکین و اطاعت از اوست که در لغت به معنای قبول کردن و فرمان بردن است و در اصطلاح به معنای فراهم نمودن زمینه‌ها و برآوردن نیازهای همسر است. قرآن کریم زنانی که در مقابل همسران خویش تمکین دارند، زنانی، صالح، خاضع و متعهد معرفی می‌کند می‌فرماید: (... فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ... نساء/۳۴) که در ادامه همان حق سرپرستی مرد مطرح گردیده است. در اصول کافی آمده است: امام صادق (ع) می‌

فرمایند: زنی که شوهرش را در خوابگاهشان معطل کند و راضی به عمل زناشویی نشود تا این که مرد به خواب رود، تا وقتی که مرد در خواب است ملائک آن زن را لعنت می کنند. «کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۰۷ و ۵۰۸»

در فقه خانواده یکی دیگر از حقوقی که به مردان داده شده است حق طلاق است، دلیل بر این که حق طلاق دادن با مرد است، خطابات قرآن است. خداوند متعال در آیات متعدد مردان را مورد خطاب قرار می دهد. قرآن کریم در آیات متعددی که در خصوص طلاق، انواع آن و شرایطش وجود دارد، مرد را مورد خطاب قرار می دهد. به عنوان مثال خداوند می فرماید: (وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنِ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سِرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ.... بقره / ۲۳۱) «و هرگاه زنان را طلاق گفتید و به پایان عده خویش رسیدند، پس به خوبی نگاهشان دارید یا به خوبی آزادشان کنید...» و شاهد مثال دیگر این آیه است: (وَ إِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ..... بقره / ۲۳۷) «و اگر پیش از آن که با آنان نزدیکی کنید، طلاقشان گفتید، در حالی که برای آنان مهری معین کرده اید، پس نصف آنچه را تعیین نموده اید، به آنها بپردازید».

اما نکته قابل توجهی در این خصوص وجود دارد که آیت... سیستانی می فرماید: طلاق، از جمله حقوق مرد است و می توان این حق را به وکالت به زن منتقل کرد و نیز در مواردی، حاکم شرع، به نفع زن می تواند طلاق را انجام دهد. «سیستانی، علی، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۳، ص ۱۰۹»

حق استمتاع از دیگر حقوق شوهر نسبت به زن است که قرآن به آن اشاره نموده است و می فرماید: (نِسَاءُكُمْ حَرَّتُ لَكُمْ فَاتُوا حَرَّتَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ وَ قَدِمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بقره / ۲۲۳) «زنان شما، کشتزار شما هستند؛ پس هر گونه بخواهید، (می توانید) به کشتزارتان [در] آید، و (اثر نیکی) برای خودتان، از پیش بفرستید. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید. و بدانید که شما او را ملاقات خواهید کرد. و مؤمنان را مژده ده.» در تفسیر نمونه آمده است: «واژه «آئی» به معنای «زمان» و «مکان» هر دو استعمال می شود. اگر این واژه به معنای زمان باشد، توسعه در زمان آمیزش جنسی استفاده می شود، یعنی آمیزش جنسی در هر ساعتی مجاز است؛ و اگر به معنای مکان باشد، به معنای توسعه در مکان و محل و چگونگی آمیزش است.» مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲، ص ۹۷»

از حقوق دیگر مرد بر همسر خویش، حق ارث است. مرد از همسر خویش پس از وفات ارث می برد که در فقه خانواده تشریح شده است و قرآن کریم جزئیات این حق را آورده است. زن و شوهر وارث هم محسوب می شوند به شرط اینکه عقد دائم بین آنها برقرار باشد. قرآن کریم می فرماید: (وَ لَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَ لَدُ فَاِنْ كَانَ لَهُنَّ وَ لَدُ فَلَكُمْ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ لَهُنَّ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَ لَدُ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ وَ لَدُ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوَصُّونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَاِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةٍ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ نساء / ۱۲) «و نصف میراث همسرانتان فقط برای شماست، اگر برای شان فرزندی نبوده باشد؛ و اگر برایشان فرزندی باشد، پس یک چهارم میراثشان فقط برای شماست؛ پس از (انجام) وصیتی که بدان سفارش کرده اند، یا بدهی (که باید پرداخت شود). و

یک چهارم میراثتان فقط برای آن [زن] ان است، اگر فرزندی برای شما نبوده باشد؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، پس یک هشتم میراثتان فقط برای آن [زن] ان است؛ بعد از (انجام) وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید، یا بدهی (که باید پرداخت شود). و اگر مردی یا زنی در حالی که کلاله (یعنی بی‌فرزند و بدون پدر و مادر) باشد (از او) ارث برده شود و برایش برادر یا خواهر (مادری) باشد، پس یک ششم (میراث) فقط برای هر یک از آن دو است؛ و اگر (آنان) بیش از این (یک خواهر یا برادر) باشند، پس آنان در یک سوم (میراث) شریکند؛ پس از (انجام) وصیتی که بدان سفارش کرده، یا بدهی (که باید پرداخت شود)، در حالی که (آن وصیت کننده) ضرر زنده نباشد. [این] سفارشی از جانب خداست؛ و خدا دانایی بردبار است.»

یکی دیگر از حقوقی که مرد بر همسر خویش دارد این است که زن باید زینت‌های خویش را برای شوهر خود در منزل ظاهر نماید. البته به غیر از شوهر خویش محارم دیگر را نیز شامل می‌شود که جزئیات آن در فقه خانواده آمده است. خداوند به این موضوع با اهمیت در قرآن کریم پرداخته و می‌فرماید: (..... وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ..... نور/۳۱) «... و زیورشان را آشکار نمایند جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان (هم‌کیش) شان.....». زن باید زینت خویش را در خانه، برای شوهر خویش آشکار سازد (...وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ.....) و در احکام فقهی هیچ‌کس مانند شوهر با عدم محدودیت در معاشرت با همسر خویش برخوردار نیست

عده نگه داشتن زن پس از وفات شوهر یا طلاق، نوعی حق برای مرد محسوب می‌شود. در این حق حکمتهایی نهفته است از جمله اینکه امکان دارد زن باردار باشد و ترک عده و ازدواج با مرد دیگر سبب شود وضع فرزند نامشخص شود و در نتیجه، حق مرد پایمال گردد.

و گذشته از این‌که نگه داشتن عده، فرصتی به مرد و زن می‌دهد که اگر بدون تعقل و منطق از هم جدا شده‌اند، مجال باشد برای تجدیدنظر و بازگشت به زندگی زناشویی. در قرآن کریم آمده است: (وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ..... بقره/۲۲۸) «و زنان طلاق داده شده، [باید] مدت سه مرتبه عادت ماهانه بر خویشان انتظار کشند؛ و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحم‌هایشان آفریده، پوشیده دارند.....»

و استثنایی که در خصوص عده است در سوره احزاب آمده است که خداوند می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا احزاب/۴۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان را به همسری گرفتید، سپس قبل از تماس با آنان، طلاقشان دادید، پس برای شما هیچ عده‌ای که آن را بشمارید، بر عهده‌ی آنان نیست؛ پس آنان را (با هدیه‌ای) بهره‌مند کنید و با آزادی نیکویی رهایشان سازید.»

۳-۵-۴- تعدد زوجات و بررسی احکام فقهی آن در قرآن کریم

ابتدا به بررسی ازدواج مجدد مرد می پردازیم. یکی از حقوقی که در فقه خانواده به مرد اختصاص داده شده است، حق چند زنی است. البته قرآن نامحدودی عصر جاهلیت را نسخ کرد و برای آن حدودی قایل شد که حداکثر آن ۴ تاست. البته برای آن قیود و شرایطی را نیز مد نظر قرار داد. قرآن کریم در آیه سوم سوره نساء به مسأله تعدد زوجات و شرایط سخت آن اشاره می کند و می فرماید: (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ آذَنِي أَلَّا تَعُولُوا نساء/۳) «و اگر می ترسید که دادگری را، در (تصرف در اموال و در مورد ازدواج با دختران) یتیم رعایت نکنید، پس می توانید آنچه از زنان، دلخواهتان است، دو و (یا) سه و (یا) چهار، به زنی بگیرید. و اگر می ترسید عدالت را رعایت نکنید، پس (به) یک (همسر)، یا آنچه (از کنیزان) مالک شده اید، (اکتفا کنید). این [کار]، به (عیال وار نشدن و ستم نکردن و) منحرف نشدن نزدیک تر است».

در فقه خانواده چند شوهری در یک زمان از دیدگاه اسلام ممنوع و حرام است و یک زن نمی تواند در یک زمان چند شوهر داشته باشد. خداوند در سوره نساء می فرماید: (وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحِلِّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ... نساء/۲۴) «و زنان شوهردار (نیز بر شما حرام است؛) مگر آنچه (از کنیزان) که مالک شده اید. (این احکامی است که) خدا بر شما مقرر داشته است. و غیر از این (زنان) نامبرده، برای شما حلال است، که با اموالتان آنان را طلب کنید؛ در حالی که پاکدامنان غیر زشتکار (/ غیر زناکار) باشید. و کسانی از زنان را که (با متعه و ازدواج موقت) از او بهره می برید...»

(....وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ...) «زنان شوهر دار بر شما حرام است» یکی از حکمتهایی که در این حکم وجود دارد این است که تعدد همسر در مورد زنان مشکلات حقوقی ایجاد می کند، مثل مجهول بودن نسب فرزندان؛ از این رو تعدد همسر برای زنان منطقی نیست.

۳-۵-۵- بررسی حقوق زوجین در پیشگیری از بارداری و تلقیح مصنوعی

پیشگیری از بارداری از حقوقی است که خصوصاً در عصر حاضر مورد توجه واقع شده است و در فقه خانواده به آن پرداخته شده است و از جمله مواردی است که مورد اختلاف نظر فقهاست. جلوگیری از بارداری اگر از طرف زوج صورت بگیرد و بدون رضایت زوجه باشد به آن عزل زوج گوید. در اصطلاح فقهی به معنای ریختن منی خارج از رحم را عزل گویند. و اگر جلوگیری از طرف زوجه و بدون رضایت زوج صورت گیرد به آن عزل زوجه گویند. آیت... سید ابوالقاسم خویی (ره) می گوید: اکثر فقها قائل به جواز عزل زوج هستند، اما اگر زوجه رضایت به این امر نداشته باشد، این عمل را مکروه می دانند «خویی، سید ابوالقاسم موسوی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲، ص ۲۵۹». شهید ثانی در کتاب لمعه ضمن نقل برخی احادیث صحیح، می گوید: عزل بدون اجازه زن را مکروه دانسته است. «شهید ثانی، ۱۴۱۱ هـ، ق، ص ۱۰۲»

در خصوص عزل زوجه، اکثر فقها حکم به حرمت کرده‌اند. سیدیزدی صاحب کتاب العروة الوثقی می‌گوید: «عزل زوجه بدون رضایت زوج حرام است؛ زیرا منافات با تمکین واجب زوجه دارد، بلکه حتی امکان وجوب دبه نطفه بر او را بیان کرده‌اند.» یزدی، محمدکاظم ابن عبدالعظیم، بی تا، ج ۲، ص ۶۹۱.

مبحث بعدی، از موارد جدیدی است که در عصر حاضر با گسترش دانش بشری، به وجود آمده است (تلقیح مصنوعی) و همسرانی که از بی فرزندی رنج می‌برند به آن روی می‌آورند که به مباحث فقهی آن و استنباطی که از آیات قرآن کریم می‌شود را نیز ذکر می‌نماییم.

ابن منظور در لسان العرب در تعریف لغوی تلقیح می‌گوید: تلقیح در لغت به معنی باردار کردن و لقاح به معنای باردار شدن است «محمد بن منظور الإفريقي المصري، ۱۹۹۷ م، ج ۵ ص ۵۱۲، ماده لقح» و عباس نایب زاده در معنای اصطلاحی آن می‌گوید: مفهوم اصطلاحی آن از معنای لغویش دور نگردیده؛ بدین معنا که تلقیح مصنوعی عبارت است از این که زن را با وسائل مصنوعی و بدون آن که نزدیکی صورت گیرد، باردار کنند «نایب زاده، عباس، ۱۳۸۰ ش، ص ۹»

خداوند در سوره مبارک نور می‌فرماید: (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا..... نور/۳۱) «و به زنان مؤمن بگو: «چشمانشان را (از نگاه حرام) فروکاهند؛ و دامان (عفت) شان را حفظ کنند؛ و زیورشان را آشکار نمایند.....» روحانی علی آبادی در خصوص آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور می‌گوید: «در این آیات کریمه، هنگامی که از نگاه سخن می‌رود حرف تبعیض «من» آورده می‌شود تا معلوم گردد برخی از نگاه‌ها حرامند؛ ولی هنگامی که از حفظ فروج سخن به میان می‌آید حرف تبعیض حذف می‌شود و متعلق حفظ نیز بیان نمی‌شود، پس برابر این قاعده که حذف متعلق، مفید عموم است، حفظ فروج در مردان و زنان به نحو کلی و به صورت یک اصل اساسی و عمومی واجب است؛ لذا مقتضای آیات کریمه، لزوم حفظ فرج از هر چیز است، خواه ورود نطفه از طریق زنا باشد و یا از طریق سایر مقاربت‌های غیر مشروع و یا این که به وسیله ابزار آلات پزشکی (تلقیح مصنوعی) صورت پذیرد» روحانی، سید محمدصادق، ۱۳۹۸ ق، ص ۱۰». برخی لزوم حفظ فرج از نگاه دیگران و زنا را مطرح می‌کنند. در روایتی از امام صادق (ع) در کتاب لوامع صاحبقرانی آمده است ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت می‌کند: مقصود از حفظ فرج در تمام آیات قرآن حفظ آن از زناست، جز این آیه که مقصود از آن، حفظ فرج از نگاه دیگران است. «مجلسی، محمدتقی، ۱۴۱۴ ق، ج ۸ ص ۸۱۰»

در هر حال با توجه به مباحث مطرح شده در خصوص تلقیح مصنوعی نوع خارجی آن باید جوانب احتیاط را ننگه داشت و با توجه به اینکه موضوع نسل سالم و صالح و پاک بسیار حائز اهمیت است، باید رضایت الهی را مد نظر قرار داد و با استنباطی که از آیات مطرح شده به دست آمد، در نوع دوم باید جانب احتیاط را حفظ کرد. سید محمد صادق روحانی می‌گوید: مقتضای روایات، رعایت احتیاط در مورد مبدأ تکون فرزند یعنی فرج است و بنابراین با شک در جواز تلقیح مصنوعی، نمی‌توان به اصل براءت متمسک شد. بلکه باید «اصالة الاحتیاط» را اجرا کرد و به عدم جواز حکم کرد «روحانی، سید محمدصادق، پیشین، ص ۱۲».

یکی از مسائل مبتلا به در نظام خانواده، موضوع نشوز زوجین است که در فقه خانواده به آن پرداخته شده است و قرآن کریم نیز مراحل را جهت اصلاح طرفین مطرح کرده است که به آن می پردازیم.

ابتدا به بررسی فقهی نشوز زن و احکام آن می پردازیم. قرآن کریم ضمن بیان حق سرپرستی مرد در خانواده که قبلاً مطرح شد می فرماید: «... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» «... و زنانی را که از نافرمانی شان ترس دارید، پس پندشان دهید؛ و (اگر مؤثر واقع نشد)، در خوابگاه‌ها از ایشان دوری گزینید؛ و (اگر هیچ راهی نبود، به آهستگی و به قصد تأدیب) آنان را بزنید. و اگر از شما اطاعت کردند، پس هیچ راهی بر (ای تعدی به) آنان مجویید؛ که خدا بلند مرتبه‌ای بزرگ است.» علامه طباطبایی (ره) معتقد است: از سیاق آیه فهمیده می شود که باید ترتیب را رعایت کرد. ایشان «ترتیب» را وسایل گوناگونی از کیفر دادن می داند؛ چون هر کسی بخواهد شخصی را کیفر دهد طبیعتاً از درجه ی ضعیف آن شروع می کند و سپس کیفر را به تدریج تشدید و شدیدتر می سازد. «طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۴، ص ۳۴۵».

مرحوم صاحب جواهر حدیثی در کتاب خویش نقل می کند و می گوید: در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده است که در تفسیر «واهجروهن فی المضاجع» فرمود: «پشت خویش را در بستر به زن کند.» و در تفسیر «واضربوهن» فرمود: «با چوب مسواک (خفیف) وی را بزنید» نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۰۲».

و در پایان این موضوع مطرح می شود که اگر زن با این برخوردها تصمیم گرفت از نشوز دست بردارد، خداوند به مرد دستور می دهد که گذشته را فراموش کند و از هر نوع آزار و ستمی به او بپرهیزد. قرآن می فرماید: «...فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا»

از آیات الاحکامی که در قرآن کریم وجود دارد، موضوع نشوز مرد است که در فقه خانواده مطرح شده است. خداوند می فرماید: «وَأِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا نساء/ ۱۲۸» «و اگر زنی، از سرکشی یا رویگردانی شوهرش، ترس داشته باشد، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست در اینکه با آشتی، در میانشان صلح بر قرار کنند؛ و صلح، بهتر است؛ و (اگر چه در این موارد) جان‌ها در معرض آزمندی است. و اگر نیکی کنید و خود نگهدار باشید، پس در واقع خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است.»

در خصوص مصادیق نشوز مرد مسائل مختلفی مطرح گردیده است به عنوان نمونه، آیت ... سید احمد خونساری (ره) می گوید: «نشوز از طرف مرد بدین صورت است که مرد در حق زن تعدی و ستم روا دارد و حقوق واجبش را ادا نکند. وقتی که نشوز مرد نمایان شد، بدین گونه که مرد حق هم خوابی را مراعات نکند و نفقه زن را نپردازد؛ زن حق مطالبه این امور را دارد؛ و مرد را موعظه می کند و اگر اثر نکرد، به حاکم مراجعه می کند، تا حاکم، مرد را به ادای حقوق زن وادارد؛ ولی خود زن حق

ندارد از مرد دوری گزیند و هجر را انتخاب کند و یا مرد را بزند...» خوانساری، سید احمد بن یوسف، ۱۴۰۵ هـ ق، ج ۴ ص ۴۳۳. با توجه به بررسی تفاسیر مختلف در خصوص نشوز مرد و مسائلی که در آن مطرح گردیده است، این نتیجه به دست می آید که مصلحت خانواده در این مواقع، بر مصلحت شخصی برتری دارد و زن باید با گذشتن از حقوق خود از فروپاشی خانواده جلوگیری نماید. علامه طباطبایی (ره) می گوید: سیاق دلالت دارد بر این که مراد از صلح و مصالحه کردن این است که زن از بعضی حقوق زناشویی خودش صرف نظر کند تا انس و علاقه و الفت و توافق شوهر را جلب نماید و به این وسیله از طلاق و جدایی جلوگیری کند و بداند که صلح بهتر است. «طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۵ ص ۱۶۳»

و در حل اختلاف مهم این است که زن و شوهر خود به رفع اختلاف خویش بپردازند. آقای دکتر رضایی در تفسیر مهر می گوید: اصلاح میان زن و شوهر، نخست باید از طرف خود آنها صورت گیرد تا احتیاج به دخالت بیگانگان نباشد؛ یعنی زنان باید آینده نگر باشند و اگر نسبت به رفتار شوهر احساس خطر کردند، علاج واقعه را قبل از وقوع بنمایند و با طرحی صلح جویانه، جلوی جدایی را بگیرند؛ البته در صورت نیاز می توانند دیگران را نیز داور قرار دهند و دعوی خانوادگی خود را حل کنند و اگر این راهکار نیز مفید واقع نشد، می توانند به دادگاه مراجعه کنند. «رضایی اصفهانی، پیشین، ج ۴، ص ۳۱۹»

۳-۵-۷- احکام فقهی پس از جدایی (طلاق) در قرآن کریم

طلاق در نظام حقوقی خانواده به معنای گسستن علقه زوجیت زن و مرد است. مسائل فقهی مربوط به طلاق با استناد به آیات قرآن کریم تشریح شده است و فروع مربوط به آن در کتب فقهی شیعه به استناد روایات معصومین (ع) آمده است. در این قسمت پایانی تحقیق به بررسی آیات الاحکام طلاق در قرآن کریم می پردازیم و مفاد آن را تحلیل می نماییم و در ضمن آن روایاتی چند که در خصوص طلاق از حضرات معصومین (ع) رسیده است را می آوریم.

۳-۵-۷-۱- احکام طلاق قبل از آمیزش و بعد از تعیین مهریه

این نوع طلاق که اولین نوع آن است و با توجه به اینکه آمیزش بین مرد و زن صورت نگرفته، ایقاع بین زن و مرد به سهولت اتفاق می افتد. خداوند حکم آن را در قرآن چنین تشریح می کند و می فرماید: (وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ بقره/۲۳۷) «و اگر آن (زن) ان را، پیش از آنکه با آنان تماس بگیرید، و در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده اید، طلاقشان دهید، پس نصف آنچه را تعیین کرده اید (به آنان بدهید) مگر اینکه [آنان] ببخشند؛ یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست، ببخشد. و گذشت کردن (شما) به پارسایی (و خودنگهداری) نزدیک تر است. و بخشش را در میان خودتان فراموش نکنید، که خدا به آنچه انجام می دهید بیناست»

نکته ای مهمی که در این خصوص وجود دارد این است که مرد باید نیمی از مهریه تعیین شده را به زن خود بپردازد و حتی اگر مهریه کامل پرداخت شده است، زن باید نیمی از آن را برگرداند. حسینی جرجانی در این خصوص می گوید: هر مردی که قبل از نزدیکی و بعد از تعیین مهریه، همسرش را طلاق دهد، واجب است که نصف مهریه را به او بپردازد؛ مگر اینکه خود

زن یا ولی او (در صورت صغیر بودن زن) آن مهر را به شوهر ببخشد. و نیز اگر زن قبل از طلاق، مهریه خود را دریافت نموده باشد، باید بعد از طلاق، نصف آن را برگرداند؛ مگر اینکه شوهر حق خود را به ایشان ببخشد «حسینی جرجانی، سیدامیر ابوالفتح، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۳۷».

۳-۵-۷-۲- احکام طلاق قبل از آمیزش و قبل از تعیین مهریه

اگر طلاق قبل از تعیین مهریه صورت گیرد و مرد با زن خویش نزدیکی نکرده باشد خداوند حکم آن را اینچنین تشریح می نماید: «(لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لِهِنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسَعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ بقره/۲۳۶)» «هیچ گناهی بر شما نیست اگر زنان را طلاق دهید، مادامی که با آنان تماس نگرفته‌اید یا برایشان مهریه‌ای تعیین نکرده‌اید. و (در این هنگام با هدیه‌ای مناسب) بهره‌مندشان سازید. توانگر به اندازه [توانایی] اش و تنگدست به اندازه خودش کالایی (بعنوان هدیه‌ای) پسندیده بدهد. [و این کار] حقی بر عهده نیکوکاران است.» از نکاتی که در این آیه وجود دارد این است که هدیه جایگزین مهر است. خداوند می فرماید اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع، آنها را (با هدیه‌ای مناسب)، بهره‌مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه ی تواناییش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، منظور از "فرض" در این جا مهریه است. و مرد باید شرایط همسر خویش و عرف اجتماعی در هدیه دادن را در نظر بگیرد. آیت ... مکارم شیرازی می گوید: خداوند در قرآن کریم از مردان خواسته که هدیه‌های به قدر وسع مالی خود با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی زن، به همسر مطلقه خویش بدهند؛ و مقدار آن طوری باشد که عرف مردم آن را بپسندند «مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۹» خداوند متعال در خصوص این نوع طلاق در سوره احزاب هم به تقدیم هدیه اشاره می کند و می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا احزاب /۴۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان را به همسری گرفتید، سپس قبل از تماس با آنان، طلاقشان دادید، پس برای شما هیچ عده‌ای که آن را بشمارید، بر عهده‌ی آنان نیست؛ پس آنان را (با هدیه‌ای) بهره‌مند کنید و با آزادی نیکویی رهایشان سازید»

۳-۵-۷-۳- احکام فقهی طلاق بعد از آمیزش

در فقه خانواده و موضوع طلاق، اگر مرد و زن بعد از آمیزش قصد جدایی از یکدیگر را داشته باشند، خداوند به احکام ویژه آن در قرآن کریم پرداخته است و می فرماید: (وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَعُولْتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ بقره/۲۲۸) «و زنان طلاق داده شده، [باید] مدت سه مرتبه عادت ماهانه بر خویشان انتظار کشند؛ و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحم‌هایشان آفریده، پوشیده دارند. و در این [مدت]، شوهرانشان، برای باز گرداندن آنها (به زندگی مشترک) سزاوارترند، اگر خواهان اصلاح

باشند؛ و برای آن (زن) ان (حقوق) پسندیده قرار داده شده، همانند آنچه (وظایفی) که بعهده آنان است؛ و مردان بر آنان رتبه دارند؛ و خدا شکست ناپذیری فرزانه است.»

مهمترین موضوعی که در این نوع طلاق برای زن وجود دارد، نگه داشتن عده پس از طلاق است. قطب الدین راوندی می گوید: زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند؛ عده نگه دارند. منظور از "قروء" دوران پاکی بانوان از عادت ماهیانه است «قطب الدین راوندی، سعید، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۵۶»

یکی از حقوقی که زن در این مواقع دارد، حق نفقه اوست که بر عهده مرد است. (نفقه خوراک، پوشاک و مسکن) خداوند خطاب به پیامبر عظیم الشأن میفرماید: (يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا طلاق / ۱) «ای پیامبر! هنگامی که زنان را طلاق می دهید، پس آنان را در (زمان) عده شان طلاق دهید، و عده را شمارش کنید؛ و خودتان را از [عذاب] خدایی حفظ کنید که پروردگار شماست. آن (زن) ها را از خانه هایشان بیرون نرانید و (آنان نیز در زمان عده) بیرون نروند، مگر آن که [کار] زشت آشکاری (به بار) آورند؛ و اینها مرزهای خداست و هرکس از مرزهای خدا تعدی کند، پس یقیناً، به خودش ستم کرده است؛ نمی دانی، شاید خدا بعد از این، کاری پدید آورد.»

از موارد دیگری که از این آیه شریف استنباط می شود این است که زمان طلاق باید موقعی باشد که زن دوران پاکی خود را سپری می کند، تا زن بتواند پس از طلاق دوره های عده خویش را برای ازدواج مجدد بشمارد. فاضل مقداد می گوید: منظور از عده (انتظار)، سه دوره از پاکی میباشد؛ بنابراین مقصود کلام خداوند در آیه اینست که مردان باید زنان خود را در زمان عده آنان، یعنی در زمان پاکی آنها طلاق بدهند و زنان نیز بعد از سه دوره حیض و پاکی میتوانند، دوباره ازدواج نمایند «فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۲۵۱»

۳-۵-۷-۴- احکام فقهی طلاق رجعی در قرآن کریم

در طلاق رجعی، مرد می تواند پس از طلاق و در زمان عده و بدون عقد جدید، به همسرش رجوع نماید. قرآن کریم می فرماید: (الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِیحٌ بِاِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّا اَتَيْتُمُوْهُنَّ شَيْئًا اِلَّا اَنْ يَخَافَا اِلَّا يُقِيْمَا حُدُودَ اللّٰهِ بقره / ۲۲۹) «طلاق (قابل بازگشت)، دو مرتبه است؛ پس بطور پسندیده نگاه داشتن، یا به نیکی آزاد کردن [همسر بر شما واجب است]. و برای شما حلال نیست که از آنچه به آنان داده اید، چیزی [باز] ستانید؛ مگر اینکه هر دو، بترسند که مرزهای خدا را بر پا ندارند.....». بنابراین مضمون، منظور از جدا شدن توأم با احسان و نیکی این است که حقوق آن زن را بپردازد و بعد از جدایی، ضرر و زیانی به او نرساند و پشت سر او سخنان نامناسب نگوید، و مردم را به او بدبین نسازد، و امکان ازدواج مجدد را از او نگیرد. در کتاب مخزن العرفان خانم سیده نصرت امین آمده است «از آنجا که نگهداشتن زنان در

خانه و یا رها ساختن آنها میتواند با اذیت و آزار رساندن به آنان همراه باشد، لذا در آیه ی شریفه، قید "احسان و معروف" را آورده تا کارها به نیکوترین وجه انجام گیرد. «بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، ۱۳۶۱ ه. ش، ج ۲، ص ۳۲۷»

۵-۴-۵ احکام فقهی طلاق بائن در قرآن کریم

طلاق بائن، طلاق است که برای شوهر حق رجوعی وجود ندارد و جهت رجوع باید مجددا عقد مجدد صورت گیرد و شامل طلاق خلع و مبارات می شود. طلاق خلع، بدین صورت است که، زن به واسطه کراهت شدیدی که از همسر خود دارد، مالی به همسر خویش می دهد و در قبال آن از او طلاق می گیرد و این مورد در آیه ۲۲۹ بقره قبل از ذکر شد که خداوند می فرماید: «..... أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»..... مگر اینکه هر دو، بترسند که مرزهای خدا را بر پا ندارند. و اگر بترسید که آن دو مرزهای خدا را بر پای ندارند؛ پس هیچ گناهی بر آن دو نیست در آنچه که (زن به عنوان) تاوان بپردازد. (و طلاق گیرد). اینها مرزهای خداست؛ پس از آنها، تجاوز مکنید. پس هر کس از مرزهای خدا تعدی کند، پس فقط آنان ستمکارند.»

زن به دلیل آزاری که از شوهر خود میبیند حاضر است مهریه خود را ببخشد و خود را آزاد کند. صادقی تهرانی می گوید: اگر زن تمایلی به ادامه زندگی با شوهر را نداشته باشد و با رعایت نکردن حقوق او، موجب اتلاف حق شوهر و در نتیجه زیرپا گذاشته شدن حقوق زناشویی هردوی آنها شود، در این صورت مهریه خود را برای خلاص شدن از زندگی با این شخص به وی بخشیده و از ایشان درخواست طلاق میدهد» صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۳۲ ه. ق، ج ۴، ص ۵۷».

۳-۵-۷-۵ سه طلاقه

بعد از بیان طلاق رجعی و طلاق خلع، خدای متعال نوع دیگری از طلاق بائن را مطرح نموده و میفرماید: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ بقره/ ۲۳۰») و اگر (شوهر برای بار سوم) آن (زن) را طلاق داد، پس از [آن] به بعد بر آن (مرد) حلال نخواهد بود؛ تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند. و اگر (شوهر دوم) او را طلاق داد، پس هیچ گناهی بر آن دو [همسران سابق] نیست که به همدیگر باز گردند، اگر آن دو گمان می کنند مرزهای خدا را بر پا می دارند. و اینها مرزهای خداست که آنها را برای گروهی که می دانند روشن بیان می کند»

سه طلاقه، نوعی طلاق بائن است که مرد وقتی برای بار سوم همسر خویش را طلاق می دهد دیگر اجازه رجوع به او را ندارد، مگر آنکه یک محلل به عنوان واسطه رجوع، قرار بگیرد. در تفسیر المیزان آمده است: این آیه در حقیقت حکم تبصرهای را دارد که به حکم سابق ملحق میشود؛ یعنی پس از اینکه مرد دو بار زنش را طلاق داد و رجوع کرد، اگر برای بار سوم او را طلاق دهد، دیگر حق رجوع مجدد ندارد؛ مگر اینکه زن، همسر دیگری را انتخاب نماید که در اصطلاح فقهی به آن محلل گویند؛ مشروط بر اینکه امید رعایت حدود الهی را داشته باشند «طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۵» و ازدواج با

محلل نیز باید به صورت دائم باشد و مباشرت صورت پذیرد. در تفسیر کنزالدقائق آمده است: شرط دیگری که ذکر آن لازم است ازدواج زن سه طلاقه با همسر دوم است که ازدواج با "محلل" نیز باید به صورت عقد دائم بوده و بین آنها مباشرت انجام گیرد؛ در این صورت اگر از شوهر دوم خود طلاق گرفت، شوهر اول میتواند پس از جاری کردن عقد مجدد، دوباره با زن سابق خود ازدواج نماید. «قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸ ش، ج ۲، ص ۳۴۷»

نتیجه گیری

در دین مبین اسلام، موضوع خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است و قوانین و احکام مخصوصی برای آن از سوی شارع مقدس وضع گردیده است که در کتاب قانون اساسی اسلام که همان قرآن کریم است آمده است. همانگونه که در تحقیق انجام شده مشهود است آیات الاحکام زیادی در قرآن کریم در خصوص خانواده و مسائل مربوط به آن (از قبل از ازدواج تا مرحله جدایی و حتی پس از جدایی) آمده است. طرح چنین سطحی از قوانین الهی از معتبرین کتاب مقدس عالم (قرآن کریم) که کلام خالق و مدبر تمام عالم است و بیان فقه خانواده و تشریح احکام آن، میتواند راهگشای بسیار معتبری جهت دست یابی به استوارترین زندگی با پابندی به مولفه های ایمان، اخلاق، آسایش، تفاهم و ماندگاری باشد و رسالتش را در زندگی در جهت کسب رضایت، فضل، محافظت و بخشش خداوند به انجام برساند. قرآن کریم، کتابی هدایتی، تربیتی است که همه آنچه را که در هدایت انسان به سعادت حقیقی و جاودانه موثر است، بیان کرده است. آیات الاحکام خانواده که در قرآن وجود دارد، به طور عام و به صورت نص و در برخی موارد قابل تردید بیان شده است، تا به گونه های مختلف قابل برداشت باشد و جهت رسیدن به اصل حکم باید به مصادر اهل بیت (ع) و فقها مراجعه نمود. هدف این تحقیق بررسی آیات الاحکام خانواده و اثبات جامعیت قرآن در این زمینه بوده است و با عنایت به وجود آیاتی که ضمن سبب شناسی تشکیل خانواده، به ترسیم روابط زوجین با یکدیگر و حقوق آنها و فرزندان با والدین و حقوق آنها، اختصاص یافته و کارکرد های مختلف خانواده را تبیین میکند و بهترین ضوابط را جهت رفع اختلافات خانوادگی ارائه می دهد و برخورداری از چنین استحکام و دقت نظری که در هیچ کتاب دیگری سابقه ندارد و متناسب با زندگی انسانها در تمام عصرهاست و قابل تحدی است، جامعیت قرآن کریم

در فقه خانواده اثبات می شود. البته نباید از روایات معصومین (ع) در اتمام و اکمال این موضوع غفلت ورزید که در این تحقیق نیز در کنار برخی آیات الاحکام، مباحث روایی نیز نقل گردید.

فهرست منابع:

- قرآن کریم ترجمه: مشکینی اردبیلی، علی، ۱ جلد، نشر الهادی - ایران - قم، چاپ: ۲، ۱۳۸۱ ه.ش
۱. ابن بابویه قمی، محمد ابن علی، *عیون اخبار الرضا*، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۷۳ ه.ش، اول
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه، مترجم: غفاری، علی اکبر و غفاری، محمد جواد و بلاغی، صدر، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷ ه.ش، اول
 ۳. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش
 ۴. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، مصحح: محمد تقی ایروانی - سید عبد الرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ه.ق، اول
 ۵. بیهقی، احمد ابن الحسین، *سنن الکبری*، بیروت، دارالفکر، بی تا، اول
 ۶. جمعه، احمد خلیل؛ *الطفل فی ضوء القرآن و السنه و الادب*، بیروت، الیمامه، ۱۴۲۱ ق، چاپ اول
 ۷. حسینی جرجانی، سیدامیر ابو الفتوح؛ *آیات الأحکام (جرجانی)*، تهران، نوید، ۱۴۰۴ ق، نوبت اول
 ۸. حکیم، سید محسن طباطبایی، *مستمسک العروة الوثقی*، قم، مؤسسه دار التفسیر، ۱۴۱۶ ه.ق، اول
 ۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، ۱۱۱۲ ه. ق، مصحح: رسولی، هاشم، قم، ناشر: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ه. ق، ۵ جلد، نوبت ۴
 ۱۰. خوانساری، سید احمد بن یوسف، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ ه.ق، دوم
 ۱۱. خویی، سید ابو القاسم موسوی، *مبانی العروة الوثقی*، قم، منشورات مدرسه دار العلم - لطفی، ۱۴۰۹ ه.ق، اول
 ۱۲. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۴۳ ه.ش، اول
 ۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *تفسیر قرآن مهر*، ۲۴ جلد، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۷ ه.ش
 ۱۴. روحانی، سید محمدصادق، *المسائل المستحدثه*، (قم: مدرسه الإمام الصادق، ۱۳۹۸ ق)،
 ۱۵. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب - الله؛ *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶ ق، چاپ اول
 ۱۶. سیستانی، علی، *منهاج الصالحین*، قم، مکتب آیت الله سیستانی، ۱۴۱۵ ه.ق، اول
 ۱۷. شهید ثانی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه*، بیروت: انتشارات دارالعالم الاسلامی

۱۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹ ق، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ هـ ق، اول
۱۹. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۴۳۲ هـ. ق، قم، ناشر: فرهنگ اسلامی، ۳۰ جلد، ۱۴۰۶ هـ. ق، نوبت دوم
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ هـ ش، نوبت ۵
۲۱. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، سید محمد تقی کشفی، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ هـ ق، سوم
۲۲. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷ هـ ق، تهران، دار الکتب الإسلامية، نوبت چاپ: چهارم
۲۳. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ هـ ق، دوم
۲۴. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله؛ کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ ق
۲۵. قطب الدین راوندی، سعید؛ فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق
۲۶. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ هـ ق
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۸۹ ق
۲۸. کاظمی، فاضل، جواد بن سعد اسدی، مسالک الأفهام إلى آیات الأحکام، بی جا، بی تا
۲۹. مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق، اول
۳۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام) ۱۱۱۰ هـ. ق، محققان علوی، عبدالزهراء و محمودی، محمد باقر، متوفای ۱۳۵۷ هـ. ش. بیروت، دار إحياء التراث العربي، نوبت اول، ۱۴۰۳ ق
۳۱. محمد بن منظور الإفريقي المصري، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۷ م
۳۲. مدیر شانه چی، کاظم، آیات الاحکام، انتشارات سمت، ۱۳۷۹، نوبت هفتم
۳۳. مشایخی، قدرت الله، خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی، تهران انتشارات سمت، ۱۳۸۸ هـ ش، نوبت دوم
۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱ هـ ش، نوبت چهارم

۳۵. مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، ۱۴۰۰ هـ. ق، ۷ جلد، کلامی شیعی - اجتهادی - اجتماعی، قم، دار الکتب الإسلامی،

۱۴۲۴ هـ. ق، نوبت اول

۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ هـ. ش

۳۷. نایب زاده، عباس، *بررسی حقوقی روش های نوین باروری مصنوعی*، (تهران: مجد، ۱۳۸۰ ش)،

۳۸. نجفی، محمد جواد (۱۳۰۲-۱۳۷۷ هـ ش)، *تفسیر آسان*، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲ هـ ش، اول

۳۹. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی،

بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ هـ ق، هفتم

۴۰. یزدی، محمدکاظم ابن عبدالعظیم، *تعلیقات علی العروة الوثقی*، قم، مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام، بی تا